

تنگناهای تازه رژیم

دشواریهایی که حکومت این اواخر در زمینه منابع مالی و درآمدهای ارزی با آن روبرو شده است و تأثیری که این تنگنای تازه بروخامت بیشتر وضع اقتصادی و تشدید مشکلات معیشتی مردم بجا می گذارد، اوضاع حاد سیاسی کشور را بیش از ماههای گذشته حادثتر و حساستر کرده است. شاید همین آگاهی از ابعاد وخیم وضع اقتصادی کشور و پیامدهای اجتماعی سیاسی آن بود که در چند هفته گذشته مقامات دولتی را بر آن داشت تا با توسل به یک مشت آمار و ارقام و ارائه تصویری دروغین، وخامت بیش از پیش اوضاع را پرده پوشی کنند. در زمینه اقتصادی آنچه که هم اکنون برجسته است این است که درآمدهای دولت کفاف هزینه های آن را نمی دهد. گزارش حاکی از آن است که درآمدهای ارزی دولت از فروش نفت، علیرغم کوشش بسیار برای افزایش تولید نفت، به سطح پیشبینی شده در بودجه سال ۷۱ نرسیده است. بنا به همین گزارشها، حداکثر درآمد ارزی قابل حصول برای سال جاری بیش از ۱۵ میلیارد دلار برآورد نمی شود. در حالیکه این میزان در پیشبینی بودجه رقمی نزدیک به ۱۷ میلیارد دلار است. علاوه بر این، کاهش بی سابقه ارزش دلار که مبنای محاسبه بهای نفت برای تولیدکنندگان است، بنابراین به نرخ دیگری با ثبات خارجی، درآمد ارزی دولت برای امسال بیش از ۱۴ میلیارد دلار نخواهد بود. به عبارت دیگر هم اکنون درآمد ارزی کشور ما از فروش نفت کمتر از سال ۵۷ است، در حالیکه جمعیت کشور به دو برابر سال ۵۷ نزدیک شده است.

پائین آمدن منابع ارزی دولت ناتوانی آن را در پرداخت سرموهد به هیعهای خارجی آشکارا شده است و این نیز به نوبه خود به توقف یا تقلیل تخصیص وام و اعتبار از سوی بانک ها و موسسات خارجی و از دست رفتن منابع تامین قرض خارجی منجر شده است. البته این هم دیگر آشکار شده است که در مشکلاتی که رژیم بتازگی با منابع وام و اعتبار دهنده خارجی پیدا کرده است، تحولات سیاسی ماههای اخیر در هیات حاکمه جمهوری اسلامی و طیفیان ارتجاعی و روحانیت محافظه کار علیه سیاست های دولت رفسنجانی بی تأثیر نبوده است. تحولات سیاسی درون حکومت، در داخل کشور نیز بطور جدی بروخامت اوضاع افزوده است. شکاف و بحران سیاسی در راس حکومت، در حال حاضر کارکرد سیاسی حکومت را با نوعی "بن بست" روبرو ساخته است. این بن بست گرچه می تواند مقطعی و گذرا باشد، اما قطعاً بر دامنه و همق بحران جامعه و دشواری های گریبانگیر رژیم خواهد افزود.

صرف نظر از تنش سیاسی در بالای حکومت که نمی توان آینده ای بر آن پیشبینی کرد، حداقل تا یکسال آتی چشم اندازی برای تغییر جدی در وضع مالی دولت وجود ندارد. به امیددی به افزایش بهای نفت هست و نه تا یکسال دیگر افزایش چشم گیری در تولید نفت قابل تصور است. بنابراین در تنگنای مالی که دولت با آن مواجه است، وضع روبه وخامت بیشتر است.

حکومت در این یکی دو سال بظوبی نشان داده است که ابائی از این ندارد که بار اصلی فشار ناشی از این تنگناها را بسوی توده مردم و بر روی زندگی و معیشت آنها انتقال دهد. هم اکنون نیز چنین کرده است و این همه افزایش در بهای خدمات دولتی و افزایش مهار کسبخته قیمت اقلام مصرفی مردم ناشی از همین انتقال بار مشکلات به دوش توده های مردم است. ادامه درصنمه ۲

کشمکش بر سر جزایر تنب و ابوموسی همچنان ادامه دارد

شکست مذاکرات میان نمایندگان وزارت خارجه جمهوری اسلامی و امارات در ابوظبی، بر دامنه بحران بر سر جزایر تنب و ابوموسی افزود. طرف مذاکره امارات متحده عربی دقایقی پس از شروع مذاکرات به این بهانه که طرف ایرانی حاضر به مذاکره بر سر جزایر تنب کوچک و بزرگ نیست، جلسه مذاکره را ترک و مذاکرات را بی نتیجه گذاشت. امارات عربی متحده پس از این اقدام موضوع را به سازمان ملل کشاند و خواستار حیات "جامعه بین المللی از امارات بعنوان یک کشور کوچک که مورد تجدید همسایه بزرگ خود ایران است" شد. نماینده وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مذاکرات ابوظبی در باره ملل ناگام ماندن این مذاکرات اظهار داشت: قرار بود مادر امارات پیرامون جزیره ابوموسی صحبت کنیم. اما در اینجا با دستور کار جدیدی مواجه شدیم. در رابطه با تنب ها که با حاکمیت جمهوری اسلامی بر روی آب و خاکش تناقض دارد، بهیچوجه زمینه ای برای مذاکره روی آن وجود ندارد. وزیر خارجه امارات در سخنان تند و جنجالی خود در مجمع عمومی سازمان ملل جمهوری اسلامی را متهم کرد "موافقتنامه ۱۹۷۱" میان دو کشور ایران و امارات را زیر پا گذاشته است. هیاتهای نمایندگی دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در مجمع عمومی سازمان ملل از موضع ادامه درصنمه ۲

بازداشت دولبنانی به اتهام قتل دکتر شرفکندی و همراهان او

در یک ساک ورزشی که زیر یک اتومبیل پارک شده قرار گرفته بود، پیدا شد. بر روی تپانچه لاما، اثر کف دست رایل، یکی از دستگیر شدگان، نقش بسته است. رایل و امین در حالی دستگیر شدند که می خواستند برای فرار از آلمان اوراق هویت جعلی تهیه کنند. هر کدام از آنها هنگام دستگیری ۱۵ هزار مارک پول نقد همراه داشتند. دادستانی کل آلمان می گوید هنوز معلوم نیست قاتلان از چه کسانی دستور گرفته اند.

سوم هنوز شناسائی نشده است. دستگیر شدگان، عبارتند از عباس رایل ۲۵ ساله، اهل لبنان، معروف به عماداماش و یا راقب، و نیز یوسف امین، ۲۴ ساله، اهل لبنان. در حکم بازداشت این دو نفر آمده است که آنها متهمند به اینکه روز ۲۶ شهریور دقایقی قبل از ساعت ۲۳ به اتفاق یک نفر که تاکنون ناشناس مانده است، وارد اتاق عقبی رستوران "میکونوس" برلین شده اند. در حالی که یوسف امین جنب در ورودی رستوران کشیک می داد، دو ضارب به سوی هشت نفر ایرانی حاضر آتش گشودند، که در نتیجه، صادق شرفکندی و سه همراه او کشته و صاحب رستوران به شدت مجروح شدند. دو ضارب، از تپانچه های از نوع "لاما" و مسلسلی از نوع "ایمی" با صدا خفه کن استفاده کردند. هر دو سلاح، پنج روز بعد

در آلمان دو نفر به اتهام شرکت در سوء قصدی که روز ۲۶ شهریور به شهادت دکتر شرفکندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران و همراهان او در برلین انجامید، دستگیر شدند. الکساندر فون اشتال دادستان کل آلمان روز سه شنبه ۱۴ مهرماه اعلام کرد این دو نفر، در آلمان تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بودند و اهل لبنان اند. دستگیری دو مظنون، روز ۱۲ مهرماه در شهر راینه ایالت نوردراین - وستفالن که حدود چهارصد کیلومتر با برلین فاصله دارد، صورت گرفت. شامگاه دوشنبه ۱۳ مهر ماه، بازپرس تحقیق دیوان عالی کشور آلمان بنابه تقاضای دادستان کل، قرار بازداشت این دو نفر را به علت "ظن قوی قتل چهار نفر و تلاش برای قتل یک نفر" صادر کرد. مقامات آلمانی می گویند قاتل

مراسم
واپسین وداع
در "پرلاشز"
درصنمه ۷

بزرگترین مانور ضد شورشی برگزار شد

بزرگترین مانور ضد شورشی با شرکت نیروهای انتظامی در میادین، چهارراه ها و نقاط حساس تهران برگزار شد. هدف از این مانور، ارزیابی توان مأمورین در رابطه با سرکوب شورشی های شهری بود. این مانور بگفته سرتیپ عقابائی فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ در نوع خود از بی نظیرترین، سخت ترین و با اهمیت ترین مانورهای انجام شده در ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب بوده است. در این مانور مسئله ارزیابی از توان عملیاتی، سرعت تصمیم گیری و انتقال سریع تصمیمات متخذه مطرح بوده است. در "مانور ایثارگران"، ارتش نقش شورشی ها را بازی کرده و در ساعات نیمه شب با لباس میدل و بطور آشکار و یا پنهان به انجام عملیات تخریبی دست زدند. ادامه درصنمه ۳

مشاجره بازاریان و وزارت بازرگانی

بر سر طرح شناسایی واحدهای صنفی بدون پروانه بین وزارت بازرگانی و جامعه بازاری اصناف مشاجره در گرفته است. بنوشته مطبوعات کشور در تهران حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار واحد صنفی فاقد پروانه صنفی وجود دارد. وزارت بازرگانی اخیراً تصمیم گرفته است که تکلیف آنها را روشن نماید. برای اینکار طرحی تهیه کرده است که بر اساس آن واحدهای صنفی مزبور باید مبلغ ۵ هزار تومان پرداخت نمایند و در طرف یک ماه کارت شناسایی دریافت کرده و در مدت یکسال پروانه کسب تهیه کنند در غیر این صورت واحد صنفی تعطیل خواهد شد. این طرح مورد اعتراض انجمن های اسلامی بازار و اصناف قرار گرفته است. آنها می گویند که این طرح حداقل مورد مشورت و نظرخواهی و بررسی هیئت رئیسه اتحادیه ها، اعضای انجمن های اسلامی بازار و اصناف، معتمدین بازار و کارشناسان معتبر صنفی قرار می گرفت و سپس به اجرا در

می آمد. جنبه دیگر اعتراض آنها این است که زمان یکسال برای تهیه مدارک لازم جهت صدور پروانه کافی نیست. جاح سعید امانی دبیرکل انجمن های اسلامی بازار و اصناف در اعتراض باین طرح می گوید که صدور پروانه کسب پس از مهلت یکسال امر محالی است و اضافه می کند که: "تقسیم مبلغ دریافتی بین وزارت بازرگانی، اتحادیه ها و مجامع روی چه مآخذ و ضوابطی انجام می گیرد؟" قابل ذکر است که قبلاً مبلغ دریافتی به صندوق تعاونی صنفی واریز میگردید. محدثتی خاموش همو جامعه انجمن های اسلامی بازار و اصناف نیز در گردهمایی بازاریان و اصناف تهران در مسجد امام خمینی از وزارت بازرگانی انتقاد کرده و می گوید که در گذشته این وزارتخانه دریافت مبلغ ۲ هزار تومان برای صدور پروانه توسط مجمع امور صنفی را غیر قانونی اعلام کرد. حال چگونه است که اقدام غیر قانونی آن روز، امروز قانونی شده است؟ ادامه درصنمه ۲

ویلی برانت در گذشت



شب پنجشنبه ۸ اکتبر ویلی برانت درگذشت. وی که هنگام مرگ ۷۸ سال داشت، در اثر ابتلا به سرطان دیده از جهان فرو بست. ویلی برانت از سنین نوجوانی به جنبش سوسیال - دمکراسی پیوست. وی در ادامه فعالیت های خود زیر پیگرد نازی ها ناچار شد آلمان را ترک کند، به نروژ برود و تبعیت این کشور را بپذیرد. اما برانت در نروژ نیز نماند، او مجبور شد از دست نازی ها به سوئد برود. پس از جنگ دوم جهانی برانت مسئولیت های مختلفی در سطوح

گونگون برعهده گرفت. وی در سمت رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان، شهردار برلین فربی و سپس در مقام صدر اعظمی نقش بسیار موثری در تغییر سیمای آلمان در جهان، تعدیل جنگ سرد، رابطه گیری با شرق و ارتباط با جهان سوم ایفا کرد. وی بعدها بدلیل جاسوسی یکی از همکاران نزدیک خود برای شرق از مقام صدر اعظمی کناره گیری کرد. برانت بدلیل تلاش های خود در مسئولیت های مختلفی در سطوح

خلیج فارس در انتظار اولین زیر دریایی خود

دولت روسیه تصمیم گرفت علیه رژیم مخالفت ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، فرانسه، استرالیا و کشورهای عربی خلیج فارس دو فروند دیگر از زیر دریایی های خود را به جمهوری اسلامی واگذار کند. در اواخر سپتامبر و پس از اعتراض مجلس سنای ایالات متحده و دولت این کشور و تهدید مجلس سنای آمریکا بر هدم پرداخت کمک یک میلیاردی به روسیه در صورت

ارسال اسلحه به ایران، دولت روسیه واگذاری این زیر دریایی ها را متوقف کرده بود. ناظران معتقد بودند که علت توقف نامبرده اعتراض نمایندگان سنای ایالات متحده بوده است. ولی مقامات روس اعلام داشتند که اختلاف دو طرف قرارداد بر سر نحوه پرداخت بهای زیر دریایی ها، موجب این توقف موقت بوده است. ادامه درصنمه ۲

در این شماره:

تهاجم فرهنگی یا ناتوانی فرهنگ حاکم؟

درصنمه ۸

فرهنگ کهنه در قالب اعلامیه تازه

درصنمه ۳

تخریب خانه ها

راه حل معضل حاشیه نشینی نیست

درصنمه ۵

یاداشت سیاسی

گسست های جدید در مجلس شورا

نمایندگان مجلس شورا در جلسه چهاردهم مهرماه کلیات طرح ممنوعیت بازنشستگی اجباری فرهنگیان را تصویب کردند. این طرح که با قید دو فوریت در مجلس به رای گذارده شد، بدنبال بازنشسته شدن اجباری بیش از چهار هزار فرهنگی داری سی سال خدمت، طرح گردید. دولت رفسنجانی با طرح نمایندگان مخالف بود و دکتر نجفی وزیر آموزش و پرورش مخالفت دولت را در مجلس اعلام کرده بود. با این وجود از ۲۱۹ نماینده حاضر در مجلس ۱۱۷ نماینده به آن طرح رای مثبت دادند.

این دومین موردی است که مجلس بعد از تعطیلات تابستانی با وجود مخالفت شدید دولت، طرح مورد نظر خود را به تصویب میرساند. مدتی قبل ۱۲۵ نفر از نمایندگان به "طرح تشکیل قائم مقام شورای شهر" رای دادند. در حالیکه هلاله مجارانی از جانب دولت مصرانه از مجلس خواسته بود که از تصویب طرح منصرف شود و به دولت دو هفته فرصت دهد که تا "طرح تشکیل شوراهای شهر" را تصحیح و به مجلس ارائه دهد.

اواخر ماه گذشته نیز مجلس مصوبه ای زیر عنوان "تحقیق و تفحص نسبت به عملکرد صدا و سیما" تصویب کرد که براساس آن مجلس حق دارد در امور صدا و سیما تحقیقات لازم را بعمل آورد. این پیشنهاد از جانب مهندس یوسف پورنماینده اردل و فارسان به مجلس داده شد. کمیسیون ارشاد و هنر این پیشنهاد را بررسی و تصویب کرد. موضوعات مورد پیشنهاد عبارت بودند از: تحقیق در مورد صدا و سیما در رابطه با چگونگی جذب و بکارگیری نیروهای حزب الهی سازمان، عملکرد مدیران بعدی و چگونگی انتخاب مدیران بعدی و عملکرد آنان در جهت گسترش فرهنگ اسلامی طبق سیاستهای مصوب سازمان، چگونگی انطباق برنامه های سیمای جمهوری اسلامی با موازین شرعی، همت بخش صحنه هایی از سیما که مبین فرهنگ قرب و موجب ایجاد الگوهای نامناسب در اشرار مختلف به خصوص جوانان میگردد.

خبر این مصوبه از صدا و سیما پخش نشد. در حالیکه سایر اخبار مربوط به فعالیت مجلس در همان روز از صدای جمهوری اسلامی پخش شد. عدم پخش خبر تحقیق و تفحص در خصوص عملکرد صدا و سیما، مورد اعتراض روزنامه رسالت قرار گرفت.

در راس صدا و سیما محمد هاشمی برادر رئیس جمهور قرار دارد. از مدت قبل وزارت ارشاد و صدا و سیما از جانب واپس گرایان برای تغییر مسئولین و سیاستهای آنها تحت فشار قرار دارند. خاتمی در همین رابطه مجبور به استعفا شد و اکنون فشارها متوجه صدا و سیماست و تصویب این پیشنهاد نشان میدهد که این بار مجلس پا بجلو گذاشته است.

در همین حال مطالبی که در مطبوعات انتشار یافته است، حاکی از آنست که مسئله استیضاح وزیر کشور توسط عده ای از نمایندگان هم متوجه برکناری نوری و هم ضرب و شست نشان دادن به رفسنجانی بوده است. در مطالبی با عنوان "طرح استیضاح وزیر کشور و مصالح نظام" مندرج در روزنامه اطلاعات آمده است که گروه کثیری از نمایندگان که برای اولین بار پا به مجلس گذاشته اند جزو امضا کنندگان طرح بودند و "پیگیرانه در جستجوی کسب موافقت و امضای نمایندگان دیگر با توسل به شیوه های بعضی دور از شان نمایندگی و به گونه ای نامتناسب برآمده بودند. جمعی دیگر از نمایندگان با هدف احراز استقلال و شاید در مواردی هم با انگیزه های که در کشور ما معمولاً از آن به "ملاحظات خطی" تعبیر میشود در ردیف امضا کنندگان آن طرح جای گرفتند."

هیئت رئیسه مجلس به مخالفت با طرح استیضاح بر می خورد و با خامنه ای تماس می گیرد و او هم مصالح نظام را در عدم طرح استیضاح می بیند. به نوشته اطلاعات "بعضی از نمایندگان امضا کننده طرح استیضاح پس از مواجه شدن با موضع هیئت رئیسه مجلس مبنی بر ضرورت توقف طرح، سخنان صریحی علیه رئیس جمهور مطرح میساختند. چند تن از نمایندگان توقف طرح استیضاح را نافی "اصل استقلال مجلس و نمایندگیان مجلس" میدانستند." گرچه طرح استیضاح متوقف شد. لیکن حملات شدید و متوالی برخی از نمایندگان مجلس به وزیر کشور و سیاستهای کنونی این وزارتخانه کماکان ادامه دارد. در همین حال نمایندگان با سیاست های دولت در زمینه های مختلف از جمله تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات برخورد میکنند. نمایندگان این دوره تاکید دارند که مجلس باید بر کارهای دولت نظارت و کنترل داشته باشد.

اکثریت نمایندگان این دوره با شعار "پیروی از رهبر و حمایت از رئیس جمهور" به مجلس راه یافتند. تصور رفسنجانی این بود که مجلس در هماهنگی با دولت عمل خواهد کرد و بالنتیجه مشکل چندانی از جانب مجلس وجود نخواهد داشت. ولی زمانی که شکاف بین رفسنجانی و خامنه ای از پرده بیرون افتاد و خامنه ای موج نعی از منکر را که متوجه سیاستهای دولت رفسنجانی بود، راه انداخت، وضعیت در مجلس شورا تغییر یافت و صف بندی جدیدی در مجلس شکل گرفت. اکثریت نمایندگان که در جانب رهبر قرار گرفته بودند، حملات خود را متوجه دولت رفسنجانی کردند و انتقاد از سیاستهای دولت را آغاز نمودند.

بعلاوه در این دور بخشی از نمایندگان میخواهند نشان دهند که مجلس شورا استقلال دارد و تابع بی چون و چرای قوه مجریه نیست، بر کارهای دولت نظارت و کنترل دارد و هر آنجا که تشخیص دهد در مقابل دولت می ایستد و حتی در موقع ضرورت وزیر را به استیضاح میکشد.

کشمکش بر سر جزایر تنب و ابوموسی همچنان ادامه دارد

ادامه از صفحه ۱

دولت امارت هری متحده جانبداری کردند. شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در پی اظهارات وزیر خارجه امارات و نمایندگان دیگر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس پیرامون جزایر تنب و ابوموسی در مجمع عمومی سازمان ملل، با تشکیل جلسه و انتشار یک بیانیه ای هشت ماده ای اعلام کرد: جمهوری اسلامی قصد هیچگونه تغییری در رویه خود نداشته و به توافق های گذشته احترام می گذارد. در این بیانیه گفته شده است: جمهوری اسلامی ایران ضمن احترام به حاکمیت ملی همه کشورهای همجوار، تعرض هیچ کشوری را به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خود نخواهد پذیرفت و با قدرت و شدت با آن مقابله خواهد کرد. شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی "طرح ادعاهای تاریخی" را بسود امنیت منطقه ندانسته و اعلام کرده است: ایران آماده است بدون

هیچگونه پیش شرط نسبت به توافقنامه ۱۹۷۱ در جوی دوستانه و فارغ از جنجالهای تبلیقاتی مذاکره نماید و در جهت حل آن اقدام نماید." هلیرقم لحن مثبت و بدور از جنجال بیانیه شورای امنیت ملی محمدجواد لاریجانی که یک روز پیش از انتشار این بیانیه در نماز جمعه دانشگاه تهران ایراد شد، کمتر از سخنرانی وزیر خارجه امارات در سازمان ملل تند و جنجال آفرین نبود. لاریجانی در سخنان خود خطاب به کشورهای عرب حاشیه جنوب خلیج فارس گفت: "امتداد سال پیش شماها حتی وجود نداشتید. شماها بدنبال تجاوز غیر قانونی قدرت استعماری انگلستان به منطقه موجودیت پیدا کرده اید. شماها



بلکه کشورها و قدرتهای دیگری هم. وزیر خارجه امارات در سازمان ملل گفت: کشور متبوعش از ۲۵ سال پیش تاکنون همه راههای دیپلماتیک را برای حل این اختلاف پیموده است. اما در سخنان او روشن نیست چرا پیمودن راههای دیپلماتیک ۲۵ سال طول کشید؟ و آیا نمی شد قدری کمتر یا بیشتر از این طول بکشد؟ آیا امارات زمان و موقعیت را مناسب یافته است؟ در هر حال موارد سؤال برانگیز و حتی مشکوک در رفتار رویه دو طرف ماجرا کلا وجود دارد. اما روشن است آنچه آغاز شده اگر به همین منوال ادامه یابد سرانجامی در خواهد آورد که نه بسو دامارات خواهد بود و نه بسو ادیران ما.

مشاجره بازاریان و وزارت بازرگانی

ادامه از صفحه ۱

ولی اصل موضوع بر سر آن است که در گذشته شورای مرکزی اصناف اجازه صدور جوازکار برای واحدهای صنعتی بدون پروانه را داشت. اما امروز وزارت بازرگانی چنین وظیفه را از ارگان های صنعتی سلب و مسئولیت آن را راسا بعهده گرفته است. محمد تقی خاموشی می گوید که اتحادیه ها و مجامع امور صنعتی طبق قانون موظف هستند بر اساس ضوابط برای واحدهای صنعتی فاقد پروانه جواز کار صادر کنند و قانون نظام صنعتی به شورای عالی نظارت حق نداده است که خارج از مواد تید شده در این قانون، پول جدیدی از واحدهای صنعتی مطالبه نماید. او ضمن هجولانه خواندن طرح، از وزارت بازرگانی خواسته است که

تنگناهای تازه رژیم

ادامه از صفحه ۱

نقز زده است. اما در پایین و در میان مردم نیز اوضاع ابدیه سیاق سابق نیست و از این بابت هیچگونه آسودگی خاطر برای حکومت وجود ندارد.

هلیرقم در پیش گرفتن سیاست سرکوب همه جانبه اعتراضات مردمی و اتخاذ تمام تدابیر و بسیج همه امکانات رژیم برای مهار اوضاع، سیر حوادثی که بویژه از آغاز امسال در میان مردم روی نموده، قطع نشده است. اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات مردمی همچنان ادامه دارد و نیز خواهد داشت. مانور ضدشورش هفته گذشته در تهران از سوی نیروهای انتظامی که عظیم و تاکنون بی سابقه بود، هم این واقعیت را تأیید می کند و هم ابعاد هراس حکومت را به نمایش می گذارد.

خلاصه اینکه اگر وضع وخیم اقتصادی و مالی کشور را در کنار هیجان و غلبان اعتراضی مردم و وضع بحرانی در داخل حکومت قرار دهیم، اوضاعی که در ماههای آتی پیش رو خواهیم داشت حساس، شکننده و آستان حوادث چه بسا جدی خواهد بود.

ویلی برانت در گذشت

ادامه از صفحه ۱

اهمیت برانت مانند اهمیت اگوست بیل بود و او نه برای خود که برای رنج جهان سخن میگفت. بسیاری از شخصیت های سیاسی جهان مرگ برانت را ضایعه ای بزرگ خواندند و از آن ابراز تأسف کردند.

شورای مرکزی سازمان مانیز طی پیامی به رهبری حزب سوسیال-دموکرات آلمان وانگولم رهبر این حزب، از مرگ برانت ابراز تأسف کرده و تلاش وی برای تأمین حقوق بشر و نقش او در تعدیل رابطه شمال و جنوب و از میان برداشتن جنگ سرد همواره در یادها خواهد ماند.

خلیج فارس در انتظار

اولین زیر دریایی خود

ادامه از صفحه ۱

باز داشتن روسیه از ارسال اسلحه به ایران، تنها اهداف اقتصادی از بازار تجارت اسلحه کنار بگذارد. فروش اسلحه تنها زمینه اقتصادی است که روسیه قادر است در آن با کشورهای صنعتی به رقابت بپردازد. نیاز روسیه به ارز و نیاز ایران به اسلحه، واقعیتی است که این دو کشور را در پیوندی نزدیک با هم قرار می دهد.

اخبار رسیده از منابع مختلف حاکی از آن است که اولین زیر دریایی، ریگا پایتخت جمهوری لتونی را به متصد بندر چاه بهار ترک کرده و قرار است حدود یک ماه بعد به آنجا برسد. سه زیر دریایی مذکور مدرن و دیزلی هستند و در ناتو به "کیلو" موسومند. متخصصان نظامی معتقدند که آبهای کم عمق خلیج فارس برای حرکت این زیر دریایی ها بهیچوجه مناسب نیست و احتمالاً به همین دلیل است که تهران چاه بهار را برای لنگر انداختن آنها در نظر گرفته است.

آخرین نخست وزیر وی لفو گردید. لازم به یادآوری است که ایران به این ترتیب اولین کشوری است که در منطقه خلیج فارس صاحب زیر دریایی می شود. در زمان محمدرضا شاه، قرار داد خرید شش فروند زیر دریایی با آلمان فدرال منعقد شده بود که توسط دکتر شاپور بختیار آخرین نخست وزیر وی لغو گردید.

دولت های ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، فرانسه، استرالیا و کشورهای هری خلیج فارس ضمن ابراز نگرانی خود از بهم خوردن نظم در منطقه به سود جمهوری اسلامی، در اجلاس دومی به بررسی راه مقابله با تهدیدات احتمالی زیر دریایی های مذکور پرداختند.

سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه ضمن اعتراض به لایحه سنای ایالات متحده به فروش سه فروند زیر دریایی مذکور، گفت ما برخلاف ایالات متحده آمریکا اطمینان داریم که تحویل این زیر دریایی ها و فروش اسلحه روسی به ایران صلح و ثبات منطقه را به خطر نخواهد انداخت. وی همچنین فروش سه زیر دریایی مذکور به ایران را تأیید کرد. رئیس بخش اطلاعات وزارت خارجه روسیه در این رابطه گفت فروش این همکاران نظامی و فنی میان ایران و اتحاد شوروی سابق بوده است. ریچارد بوچر، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا ضمن تأیید خبر واگذاری زیر دریایی مذکور گفت مجلس سنا و دولت ایالات متحده آمریکا در حال بررسی قطع کمک مالی به روسیه هستند. وی همچنین اظهار داشت که اطلاعاتی در مورد این که آیا دو زیر دریایی به متصد ایران به راه افتاده اند یا نه در دست نیست. واشنگتن پست به نقل از مقامات روس نوشت که ایالات متحده در

فرهنگ کهنه در قالب اعلامیه تازه

در پی ترور جنایتکارانه دکتر صادق شرفکندی و سه یار و همراه او در برلین، همه تشکلهای و شخصیت‌های سیاسی و حتی کانون‌ها و محافل دموکراتیک ایرانی بلافاصله از خود واکنش نشان دادند و با صدور اعلامیه، بیانیه، اطلاعیه و یا مصاحبه، جمهوری اسلامی را عامل این جنایت معرفی کردند. جز در موضع‌گیری رژیم جمهوری اسلامی که در آن بنحویه ذیلانهای ترور به اپوزیسیون نسبت داده شد و نیز در واکنش‌های اولیه مقامات آلمانی که در آنها بگونه انحرافی پای «دستجات رقیب» میان آمد، بقیه اظهار نظرها، در معرفی جمهوری اسلامی بمثابه قاتل قربانیان فاجعه برلین، از صراحت برخوردار بودند. در این واقعه، اپوزیسیون در مجموع با عمل مسئولانه خود اجازه نداد که رژیم آلمانی از اختلاف‌های موجود صفوف اپوزیسیون برای گم کردن ردپای قاتلین بهره‌گیری کند.

امادر میان تمامی سازمانهای سیاسی، مواضع رهبری دو سازمان مجاهدین خلق و راه کارگر ویژه بود. این دو، در اعلامیه‌هایی که به این مناسبت انتشار دادند ضمن محکوم کردن جمهوری اسلامی به عنوان عامل این ترور، فرصت را غنیمت شمرده و علیه مخالفین موهم و یا واقعی خود شمشیر کشیدند.

موضع مجاهدین خلق، با آنکه از جابجایی برانگیخت، لیکن با توجه به مواضع این سازمان تعجب و حساسیت چندانی در پی نداشت. اما اعلامیه راه کارگر، سؤال برانگیز و بسیار غیرمسئولانه بود. اعلامیه‌ای که، در آن اطلاعات نادرست، گمراه کننده و ساختگی دستمایه احکامی بهمان اندازه نادرست و بغایت غیر مسئولانه قرار گرفت.

«هیئت اجرائیه کمیته مرکزی سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر)»، در این اعلامیه طی چند سطر بر ارتکاب جنایت توسط رژیم تصریح و تاکید کرده اما بدنبال آن سراسر اعلامیه را به ناسزاگویی علیه همه دعوت کنندگان و دعوت شوندگان اهم از شهید و جان بدر برده اختصاص داده و به شیوه کارآگاهی آنها را شریک جرم در این جنایت کثیف و دردناک کرده است. در این اعلامیه همه افراد طرف مذاکره رهبر شهید حزب دموکرات کردستان ایران شهید نوری دهکردی و چهار نفر دیگری که از دست تروریست‌های خمینی و فیروزخی جان سالم بدر برده‌اند «طبیعی از نیروهای رنگارنگ لیبرال» معرفی شده‌اند که طبق گفته اعلامیه مزبور با این تصد

سیاسی هنوز اندک بینایی را در چشمان آنها بجا گذاشته بود، میتوانستند چند روزی منتظر شوند و از طریق شنیدن اظهارات شاهمان همین فاجعه از جمله رفیق مهدی ابراهیمزاده عضو شورای مرکزی سازمان و یا مراجعه به نماینده حزب دموکرات کردستان در برلین، مطلع شوند که بیشترین نگرانی و حساسیت نسبت به امنیت محل دیدار و گفتگو و پیشنهادهای مشخص برای تضمین محافظت از این محل، توسط معده‌های از دعوت شوندگان و مشخصا از سوی مسئولین و کادرهای سازمان ما مطرح شده بود.

این ادعای راه کارگر که گویا از اینکه به تقصیر «لیبرال‌های رنگارنگ»، «هیچگونه تمهیداتی برای حفظ جان رهبران حزب دموکرات» انجام نیافته بود، صرفا یک دستاویز است. آنها فرض ورزانه چنین حرفهایی را علم میکنند زیرا که خود نیز در عمل ولو با کندی و انفراد منشی به پای میز مذاکره با مخالفان میروند و در جلسات میزگرد علمی شرکت میکنند. جلساتی که خود میدانند درجه امنیت محل آنها تفاوت چندانی با محل مذاکره و دیدار در شب فاجعه برلین نداشته است.

واقعیت این است که مسئولان راه کارگر که به داشتن سنت پیشداوری‌های کژ در مورد مخالفان و غیر خودی‌ها مشهوراند، همواره در ترصد فرصت برای تصفیه حساب سیاسی هستند و نتیجتا این یا آن واقعه برای آنها فقط دستاویزی است تا کینه توزی سیاسی، و روش و فرهنگ کهنه برخورد با مخالفان را متجلی کنند. فاجعه برلین، تنها بهانه‌ای بود برای آنکه شیوه مذموم راه کارگر در ماهی گرفتن از آب گل آلود یکبار دیگر بروز کند.

رهبری راه کارگر در واقع از نفس ملات و مذاکره رهبران حزب دموکرات کردستان ایران با بخشی از اعضای اپوزیسیون دموکرات ناراحت هستند. اما، بجای رعایت اصل صراحت سیاسی به شیوه کارآگاهی و گمان زنی متوسل میشوند و آنچه هم که غیر مستقیم این ناراحتی را به بیان میآورند، با پیشگویی دستور جلسه را این میدانند که «لیبرال‌های رنگارنگ» رهبر حزب دموکرات کردستان را به خط «لیبرالی» بکشند. رهبری راه کارگر حتی برای شهید دکتر شرفکندی بمثابه رهبر یک حزب سیاسی دارای خطوط موضع روشن این صلاحیت و توانایی را قابل نشده است که میخواست در این دیدار با توضیح اهمیت برخورد صحیح و دموکراتیک با مسئله ملی

در ایران روی مخاطبان خود تاثیر بگذارد تا که پشت ایده ایران دموکراتیک و ایران هاری از ستم ملی، نیروی هر چه بیشتری جمع شود. راه کارگر، متأسفانه رسالت خود را بر فصل کردن قرار داده و نه در وصل کردن، و خود را محق و موظف میدانند تا مناسبات و اعتمادهایی را که خود نمی‌پسندند بهره‌شوی و طریق غیر اخلاقی تخریب نماید.

فرهنگ انزواطلبی و انزواپرستی در سازمان راه کارگر هنوز آن اندازه قوی است که نمیگذارد تا این سازمان مواضع غیر خودی‌ها را آنگونه ببیند که واقعا هست. این سازمان عادت کرده است که با جعل و تحریف مواضع دیگران برای خود زمینه ابراز هویت و موجودیت ویژه فراهم آورد. دشمن تراشی و ایجاد مخالف واقعی و موهم از سوی راه کارگر ریشه در چنین تمایل و نگرشی دارد. بهمین دلیل هم است که تاکنون نتوانسته و شاید نخواسته از تجارب تلخ ناشی از سیطره دیر پای فرهنگ عدم تحمل مخالف و کوبیدن آن از هر طریق بجای مبارزه فکری و سیاسی سالم، درس جدی بگیرد. و باز از همین جاست که درست در لحظه‌ای که رژیم باتوسل به ترور فیزیکی، زمینه ترورهای معنوی را تدارک می‌بیند، هیئت اجرائیه راه کارگر آب به آسیای رژیم می‌ریزد که خود آنرا بدستی «شر اصلی» مینامد و با چنین برخوردهایی به ایجاد شری دیگر بشر تشدید سوظن و بدگمانی در صفوف اپوزیسیون و در نتیجه تشدید بی‌اعتمادی و لاجرم انفعال در بین اپوزیسیون دست میزند.

اعلامیه هیئت اجرائیه راه کارگر، طرز برخوردی را به نمایش گذاشت که تماما به ضرر جنبش دموکراتیک میمن ماست. این نوع برخوردها میتواند بر فضای دوستانه موجود تاثیر بگذارد و مناسباتی را که از پی سالهای ابری و به بنیابی بس‌گران رو به هقلایی شدن و سلامت دارد، تخریب نماید. تخریب این مناسبات به ضرر جنبش دموکراسی، تریخواهی و همدالتخواهی در میمن ما و به سود رژیم مستبد و افکار و شیوه‌های استبدادی است که اپوزیسیون رانیز می‌آزارد.

ما آرزو مندیم که فرهنگ کهنه مخالف تراشی و مخالف کوبی از میان همه ما رخت بر بندد و جای آنرا همکاری بر سر مواضع مشترک و مبارزه فکری و سیاسی شرافتمندانه و مسئولانه بر سر موارد اختلاف، بگیرد. راه اینست و جز آن، تکرار کژ راههای پیشین است.

در حاشیه رویدادها

اعتراض بسیجی‌ها علیه رای دادگاه

بسیجی‌ها بار دیگر به اعتراض علیه نشریه فاراد برخاستند. البته این بار اعتراضات بسیجی‌ها و حزب الهی‌ها نه به مدیر نشریه و طراح، بلکه به دادگاه جمهوری اسلامی است. آنجا معتز زندک که چرا دادگاه مدیر نشریه را فقط به عماره و طراح راه یکسال و ۵۰ هزار تومان جریمه محکوم کرده است. در همین رابطه گروهی از دانشجویان بسیجی اعلامیه‌ای صادر کرده و در آن گفته‌اند که رای دادگاه یکی از تعجب آورترین و در همین حال تاسف بارترین احکامی است که پس از انقلاب از سوی یک محکمه صادر شده است و اضافه کرده‌اند که دادستان کل کشور تبا اعلام کرده

شایعات در مورد درگیری بین خامنه‌ای و رفسنجانی

شایعات هنوز خبری به بیرون درز نکرده است. مدتی قبل نیز شایع شده بود که رفسنجانی در مقابل حرکات اخیر خامنه‌ای تعدید به استعفا کرده است.

این شایعات سمت معینی دارند و ناشی از واقعیت نزاع سخت بین رئیس جمهور و رهبر است که هر یک می‌کوشند زیر پای طرف مقابل را خالی کنند و بر اهرم‌های قدرت چنگ بیندازند.

آهنگران هم بله؟!

حکم خامنه‌ای در مورد مقابله با «تجاجم فرهنگی دشمن» موجب شگوفایی! استعدادهای حزب الهی‌ها شده است. آنها هم در آزار و اذیت زنان دست به ابتکار جدیدی زده‌اند و هم در هرصه هنر! یکی از کسانی که در این زمینه پیش قدم شده است «حاج آقا آهنگران» مداح اهل بیت و نوحه خوان جبهه‌هاست که توار جدیدی پر کرده است که اشعار آن همراه با طبل و سنج است.

«حاج آقا» در زمان جنگ ایران و عراق به فراخوان خمینی لبیک گفت و راهی جبهه‌ها گردید. او بانوچه‌هایش جبهه‌ها را گرم نگه میداشت. هدای از حزب الهی‌ها که مرید «حاجی آقا» هستند از ابتکار! او و از اعلام شرکتش در ارکستر نظامی بشدت دلخور شدند و گفتند «آقای آهنگران هم بله؟!». به همین خاطر روزنامه اطلاعات مصاحبه‌ای با او ترتیب داد. او در این مصاحبه گفت که: «امروز جواب دشمن را باید با سبک و شیوه خودش داد. درست از همان دری که وارد شده است باید با او مقابله کرد. موسیقی را با

بزرگترین مانور ضد شورش بر گزار شد

ادامه از صفحه ۱
شورش مردم در شهرهای شیراز، اراک و مشهد راه افتاد. سران حکومت که از شورش مردم بوخت افتاده بودند، سریعا دست بکار شدند و نیروهای بسیجی و انتظامی را به میدان آوردند تا هم بدین وسیله مردم را مرعوب کنند و هم توان رزمی نیروهای انتظامی را بالا ببرند.

تهران تامین حمایت دولت جمهوری اسلامی از دولت مرکزی در کابل بود. به گزارش خبرنگاریها بازگشت مهاجرین افغانی از پاکستان به میهنشان ادامه دارد. دولت پاکستان نیز برای وادار ساختن مهاجرین به بازگشت، آنان را تحت فشار قرار داده است. بنابه یک برآورد ۴۰ درصد مهاجرین

رئیس جمهوری افغانستان در تهران

اسلام‌آباد محور مذاکره رفسنجانی با مقامات پاکستانی وضعیت آتی افغانستان بود. در آن دیدار طرفین بر ضرورت حفظ تمامیت ارضی این کشور تاکید کردند. این در حالی است که سعی اصلی دولت ایران تقویت گروههایی است که در مناطق شمال و شمال شرقی افغانستان صاحب نفوذند. تلاش ربانی در

آقای برهان الدین ربانی رئیس جمهور موقت افغانستان روز پنجم مهر ماه در راس هیاتی سیاسی و اقتصادی وارد تهران شد. وی در جریان دیدارش، با رفسنجانی و خامنه‌ای و دیگر مقامات جمهوری اسلامی مذاکره کرد. دیدار ربانی از تهران چندی پس از مذاکرات رفسنجانی در اسلام‌آباد صورت گرفت. در

فار به جای کلاس درس!

به گفته پایدار سرپرست نهضت سوادآموزی کمیلویه و بویراحمد، به همت محرومیت و نبود مدرسه تعدادی از کلاسهای نهضت سوادآموزی این استان برای آموزش کودکان واجبالتعلیم روستایی در قارها برگزار می شود!

جلال الدین فارسی آدم کشت

جلال الدین فارسی که برای شکار به اطراف روستائی در منطقه طالقان رفته بود، یکی از اهالی روستا را به قتل رساند. قتل زمانی اتفاق افتاد که مقتول نسبت به ورود فارسی به زمینش به اعتراض پرداخت. صاحب زمین رضاخانی نام داشت و کارمندیکی از محاضر اسناد رسمی بود. فارسی در واکنش نسبت به اعتراض رضاخانی، وی را به گلوله بست و به قتل رساند. این قاتل که قصد فرار داشت، توسط چند تن از اهالی محل دستگیر گردید.

جلال الدین فارسی یکی از چهره های سرشناس جمهوری اسلامی است. او از جمله بنیانگذاران حزب جمهوری اسلامی بود. وی در نخستین انتخابات ریاست جمهوری کاندیدای حزب مزبور برای اخراج این سمت بود. اما در جریان انتخابات، صلاحیت وی بخاطر ایرانی الاصل نبودن رد شد. فارسی سپس از طرف حزب جمهوری اسلامی نماینده مجلس شد. او از جمله ثوری پردازان حکومت اسلامی است و تالیفاتی در زمینه زمین دارد.

در پی آدمکشی جلال الدین فارسی، تلاش مقامات ذینفوذ برای کاستن از مجازاتش آغاز شده است. روزنامه رسالت مدعی شده است که مقتول آغازگر حمله بود و بابت فارسی را مورد تهدید قرار داده بود و واکنش فارسی دفاع از خود بود. به زعم رسالت در جریان درگیری، "تیری شلیک می شود" و رضاخانی به قتل می رسد. رسالت همدا از شلیک کننده تیر نام نمی برد.

یک خودکشی دیگر در اعتراض به شهرداری

محمد در وصیتنامه ای که از خود بر جای گذارد هلت خودکشی اش را پلمپ مغازه اش توسط شهرداری، نداشتن بنیه مالی و نیز اختلافات خانوادگی ذکر کرد. چندی پیش نیز یک دستفروش تهرانی، پس از آنکه وسایلش توسط ماموران شهرداری توقیف شد، خود را به آتش کشید و درگذشت.

درگیری طایفه های در خیابان خیام تهران

روز شنبه چهارم مهرماه زدو خورد خونینی در خیابان خیام تهران رخ داد که در جریان آن ۱۱ نفر مجروح شدند. روزنامه کیهان که این خبر را درج کرده است می نویسد: این درگیری، درگیری بین دو طایفه بنامهای حسینی و هاشمی که از آهن فروشان خیابان های خیام و هاشمی می باشند بوده است. این دو طایفه دارای اختلافهای قدیمی هستند و در جریان نزاع چند سال پیش بین آنها یک نفر به قتل رسیده بود. نزاع تازه بدنبال قصاص قاتل رخ داد. این نزاع هلیبرتم حضور مامورین انتظامی نیز ادامه یافت. به گزارش روزنامه مذکور افرادی که در این درگیری نقش داشتند، دارای پرونده های متعددی در مراجع قضایی هستند.

اخبار کوتاه

۶۰ نفر در آب فرو شدند. فرق شدگان از جمله کسانی بودند که در گریز از تحمیلات ارتجاهی به مناطق حفاظت شده رفته بودند. * بر اساس اظهار نظر مسافرانی که اخیراً از ایران به خارج آمده اند، قیمت کالاها با سرعت سرسام آور همچنان رو به افزایش است. طبق این گفته ها، اکنون قیمت یک کیلو گوشت قرمز در بازار آزاد ۶۰۰-۵۰۰ تومان در مراکز توزیع دولتی که باید پس از چند ساعت در صف ایستادن آنرا بدست آورد هر کیلو ۲۵۰-۳۰۰ تومان، و برنج شمال هر کیلو ۲۰۰ تومان است.

از میان رویدادها

دستگیری و ضرب و شتم یک خبرنگار

خبرنگار روزنامه کیهان در تبریز، بخاطر ارسال یک خبر به روزنامه، از سوی مقامات قضایی استان دستگیر شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. وی که خبرنگار استان دستگیر شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. وی که خبرنگار استان دستگیر شد و مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

افزایش سرسام آور بهای مرغ و تخم مرغ

بهای مرغ و تخم مرغ در ماهها و هفته های اخیر روز بروز افزایش می یابد. بهای تخم مرغ نسبت به ماههای نخست سال جاری بیش از دو برابر شده است. مطابق برآورد بانک مرکزی بهای هر شانه تخم مرغ در آغاز این ماه قریب ۲۵۰ تومان بود. در حالیکه عملاً هر شانه تخم مرغ در خرده فروشی ها ۲۷۰ تومان و هر عدد ۱۰ تومان به فروش می رسد. به گفته مرغداران هلت این وضعیت سیاست ارزی دولت است که برای تامین مواد اولیه مرغدارها بجای ارز دولتی ارز رقابتی

۳۵ مامور شهرداری به جرم ارتشاء دستگیر شدند

سرتیپ مسعود کیومرثی فرمانده نیروهای انتظامی تهران روز یازدهم مهر ماه اعلام کرد که ۳۵ تن از مامورین شهرداری به جرم ارتشاء دستگیر شده اند. وی در توضیح این خبر افزود: مامورین انتظامی طی چند هفته و با انجام یک سری تحقیقات و عملیات تعقیب و مراقبت موفق به دستگیری این عده شدند. ۳۰ نفر از بازداشت شدگان مامورین شهرداری هستند و بقیه در پوشش کارمندان این اداره فعالیت می کرده اند. این افراد تاکنون به اخذ ۲۰۰ میلیون ریال رشوه اعتراف کرده اند. فرمانده نیروهای انتظامی تهران، مقامها و مسئولیت های بازداشت شدگان را اعلام کرد.

آتش سوزی عظیم در بازار تهران

روز سه شنبه ۳۱ شهریور ماه بخشی از بازار تهران طعمه حریق گردید و خسارات عظیمی را ببار آورد. بر اثر این آتش سوزی محوطه ای به وسعت پنج کیلومتر مربع به حال نیمه ویران درآمد و ده ها حجره و مغازه نابود شدند. تنها در طبقه دوم سرای خورشید ۴۵ حجره فرش، موکت، مشمع و ابر سوخته و چهارده کارگاه تولید کفش به شدت آسیب دیدند. در ۱۵ شهریور ماه نیز آتش سوزی عظیمی در انبارهای لاستیک خیابان در تهران رخ داد و تمام لاستیک های انبار سوخت. این لاستیک ها بخشی از لاستیک های وارداتی بوده اند که توسط بازرگانی وارد شده اند. لاستیک فروشان تهران می گویند که با ورود لاستیک ها به کشور و ارزان شدن بهای آن، افراد ناشناس با به آتش کشیدن انبارها کوشیده اند زمینه را برای بالا رفتن بهای لاستیک فراهم آورند. روزنامه کیهان این آتش سوزی را عمدی خوانده است.

تولیدات!

روز به روز بر تولیداتمان افزوده ایم. می توان گفت که به یک رکورد جهانی در این زمینه دست یافته ایم.

به علاوه تولیدات ما یکسره ادامه دارد... شب و روز نمی شتابند!

خیلی عالی است!

این تولیدات به استقراض خارجی و تسهیلات بانکی هم نیاز ندارد.

چه خوب!

تولیدات ما به بسته بندی و بازاریابی احتیاج ندارد و مواد اولیه اش از منابع داخلی تامین می شود.

احسن!

تولیدات ما سبب خوشبختی اقشار آسیب پذیر جامعه می شود و مردم را سر ذوق می آورد!

مرحبا! ممکن است بفرمایید چه تولید می کنید؟

شعار!!

از آخرین شماره نشریه "گل آقا"

بر ساعات روزانه کار اضافه شده است

بر اساس نتایج "آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار - مرحله دوم" که اخیراً توسط مرکز آمار ایران اعلام شد، ۳۰ درصد از شافلان ۶ ساله و بیشتر کشور، مجبورند روزانه بیش از ۹ ساعت کار کنند. بر اساس همین آمارگیری، ۲۸ درصد از شافلان ۶ ساله و بیشتر، هر ۷ روز هفته را بدون استراحت - مجبور به کار هستند. این آمار، تعداد جمعیت با سواد کشور را تنها ۶۱ درصد و تعداد بیسوادان را ۳۹ درصد ذکر کرده است.

کارخانه های نساجی فرسوده شده اند

همر مورد قبول، ماشین آلات نساجی در جهان ۸ سال است. با وجود این همز متوسط ماشین آلات کنونی کارخانه های پارچه بافی ایران ۴۵ سال است! هم اکنون مشابه ماشین آلات برخی کارخانه های نساجی ایران در موزه ماشین آلات لندن به نمایش گذاشته شده است! این مطلب را دبیر صدیکای صنایع نساجی با خبرنگاران در میان گذاشت. وی افزود نیاز سالانه کشور یک میلیارد متر پارچه پنبه ای است در حالی که با امکانات موجود تنها می توان ۴۲۰ میلیون متر پارچه تولید کرد. کیفیت تولیدات نیز بخاطر فرسودگی ماشین آلات نسبت به گذشته به شدت افت کرده است. بنابه اظهار مقام فوق، در چشم انداز هیچ زمینهای برای بهبود اوضاع صنایع نساجی وجود ندارد. تاسیس کارخانه های ظرفیت سالانه ۵ میلیون متر به چندین میلیارد تومان سرمایه نیاز دارد که تامین آن با توجه به سیاست کنونی بانکی کشور مقدور نیست.

اشتراک مساعی در برابر ترور

ادامه از صفحه ۶

حالت، آسمان و ریسمان را بهم می باند و وضع مضحکی برای خود پدید می آوردند.

آنچه که اپوزیسیون کم دارد، اراده عمل و شجاعت در تصمیم گیری است. وگرنه زمینه عمل مشترک کاملاً موجود است که یک نمونه آن، مبارزه علیه ترورهای رژیم در خارج کشور است. در پی فاجعه برلین، همه نیروها و شخصیت های سیاسی صرف نظر از پاره ای نغمه های ناساز، جملگی به انحاء گوناگون رژیم تروریست را محکوم کردند. و بر لزوم مقابله مشترک با تروریسم رژیم تاکید نمودند. حتی خوشبختانه اشتراک عمل هایی در بین فعالین سیاسی، اینجا و آنجا به مرحله عمل درآمد. پرسش اینست که چرا نمی بایست و نباید همه اپوزیسیون در این باره مشترک عمل کنند و به اشتراک مساعی برخیزند. اگر اپوزیسیون رژیم خود را جدی بگیرد و جدی عمل کند، آنگاه کلام دولت می تواند خون انسان های تبعیدی به کشور خود را به همان سهولت که تاکنون بوده است وجه الحاضحه معاملات

تجاری و مصالح دیپلماتیک قرار دهد؟

جمهوریخواهان، محکم و استوار برای ایجاد جنبه جمهورییت بکوشند؛ سلطنت طلبان برای احیای تاج و کیان پادشاهی متحد شوند؛ و غیر این دو هم برای خود نیرو جمع کنند. آزادیخواهانی که در پی تامین عدالت اجتماعی برای مردم خود هستند با همدیگر بر سر فرامتحذ شو نند و دیگران هم، حول آنچه که خود می خواهند گرد هم بیایند. اما هیچ دلیلی ندارد که همه اپوزیسیون، تاکید می کنم همه اپوزیسیون، نتواند بر سر آزادی زندانی سیاسی، بر سر حق بازگشت آزادانه سازمان ها و افراد اپوزیسیون با حفظ حق مخالفت با رژیم به کشورشان، و در لحظه کنونی بطور مشخص بر سر مقابله مشترک با تروریسم رژیم به اشتراک عمل برنخیزد. اگر قرار باشد که در آینده، همسویی اپوزیسیون به ناگزیر به اتحاد و یا بگونه ای از اتحاد فرا برود، که چنین نیز خواهد شد، باید گفت که چنین فرادایی از اتحاد عملی محدود امروز باید مایه بگیرد.

بمناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

سال ۱۳۷۰

سال اعتراضات پر شمار مردمی

امسال نیز زحمتکشان ایران، اول ماه مه روز جهانی کارگران و زحمتکشان، را در شرایطی گرمی می‌دارند که کوه سنگین فقر بر شانه‌های آنان سنگینی می‌کند. گرانی و تورم و هزینه‌های سرسام‌آور معیشتی، زندگی را بر آنان دشوار کرده و به جای هر اقدامی در جهت رفع دشواری‌های طاقت‌فرسا فقط به آنها وعده داده می‌شود و از آنها صبر و بردباری طلب می‌گردد.

اما صبر و بردباری مردم زحمتکش دیگر بتدریج جای خود را به اعتراض علیه وضع موجود میدهد. از مدتی پیش، کارگران و زحمتکشان هر چه بیشتری به جای دل خوش کردن به وعده‌های سران رژیم به اعتراض، تظاهرات و اعتراض روی می‌آورند. بنابه گفته حسین کمالی وزیر کار جمهوری اسلامی مندرج در نشریه انگلیسی "میدلایت اکونومیست" از بهار تا پاییز سال گذشته ۴ هزار مورد اعتصاب در صنایع و واحدهای تولیدی کشور روی داده است. فشار بر دوش زحمتکشان چنان طاقت‌فرسا است که چاره‌ای جز اعتراض باقی نگذاشته است. اعتصاب، تظاهرات و تحصن مردم بجان آمده، افزایش چشمگیری یافته و هر چه بیشتر به واقعیت هر روزه در زندگی جامعه تبدیل میشود.

در میان صدها حرکت اعتراضی سال گذشته مردم زحمتکش علیه فقر و گرانی، برخی از آنها ابعاد پراهمیتی یافتند. اعتصاب کارگران و کارکنان صنایع نفت یکی از این موارد بود. این اعتصاب که در روزهای پایانی دی ماه در پالایشگاه تهران آغاز شد و به برخی از پالایشگاهها در بزرگترین و مهمترین اعتصاب کارگری سال گذشته بود. نفعگران به خاطر افزایش دستمزدها و برخی دیگر از خواسته‌های رفاهی و هم چنین پذیرش حق تشکل آنان از سوی رژیم، برپا شد. این اعتصاب که در تهران با تحصن گروهی از کارگران همراه شد، انعکاس گسترده‌ای در کشور و خارج یافت و مقامات رژیم نیز به وقوع آن اعتراف کردند. نفعگران موفق شدند تعدادی از خواسته‌های خود از جمله افزایش دستمزدها و حقوق‌ها را به رژیم تحمیل کنند.

از مهمترین اعتراضات سال گذشته، دو تظاهرات بزرگ در تهران بود. در تیرماه و در پی افزایش بلیط اتوبوسها مردم زحمتکش تهران دست به تظاهراتی زدند که چند روز ادامه یافت. در این تظاهرات مردم جوانان خشمگین در برابر مامورین و پاسدارانی که قصد درهم شکستن تظاهرات آنها را داشتند، به مقاومت برخاستند و در چندجا آنها را مجبور به فرار کردند. به دنبال این تظاهرات دولت عقب‌نشینی کرد و بلیط اتوبوسها مجدداً ارزان شد. یک ماه بعد از این تظاهرات،

زحمتکشان محله باترآباد تهران در اعتراض به تخریب آلودگهایشان توسط شهرداری تظاهرات بزرگ دیگری برپا کردند. این تظاهرات به درگیری ۴ ساعته‌ای بین نیروهای انتظامی و زحمتکشان محله انجامید. در

پناه حمایت نیروهای مسلح رژیم در صدد تخریب آلودگهای محلات حومه شهر برآمدند. این حرکت با مقاومت مردم روبرو شد که چندین ساعت به طول انجامید. مردم خشمگین در اعتراض به ویرانی آلودگهایشان ماشین‌های



این تظاهرات و درگیری هزاران نفر شرکت کردند و علیرغم تیراندازی‌های قوای سرکوبگر، ماشین‌ها و وسایلی را که شهرداری برای تخریب آلودگها به منطقه آورده بود، منهدم ساختند و مانع اجرای نقشه‌های رژیم شدند.

همزمان با این تظاهرات، مردم اصفهان نیز تظاهراتی برضد رژیم برپا کردند. این تظاهرات برضد گرانی و حجاب اجباری صورت گرفت. تظاهرات هنگامی آغاز شد که مامورین رژیم کوشیدند گروهی از زنان را به پناه "بدحجابی" دستگیر کنند. این خودسری با مخالفت مردم روبرو شد و این مخالفت به تظاهراتی بزرگ انجامید. تظاهرکنندگان به چندین اداره و مرکز دولتی و بانک حمله بردند.

از زمستان سال گذشته تحریک تازه‌ای در جنبش توده‌ای پدید آمد و اعتراض و تظاهرات علیه گرانی، کمبود دستمزدها و حقوق‌ها و فقر و تنگدستی دامن گسترده‌تر شد. از آخرین نمونه‌های عمده این سلسله اعتراضها، تظاهرات مردم در شیراز علیه گرانی بود. این تظاهرات که گروهی از معلولین جنگی نیز در آن شرکت داشتند روز ۲۷ فروردین به وقوع پیوست. مردم در این تظاهرات علیه گرانی شعار دادند و به چند موسسه دولتی حمله کردند. درگیری‌هایی نیز بین مامورین انتظامی و مردم رخ داد.

شهر خرم‌آباد نیز ماه گذشته شاهد درگیری‌های گسترده زحمتکشان حاشیه نشین با مامورین انتظامی بود. درگیری و تظاهرات زمانی رخ داد که مامورین شهرداری خرم‌آباد در

کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، روز جهانی کارگر را بشما شادباش می‌گوید. میثاق مبارزه در راه رهایی زحمتکشان و محرومان از قید خودکامگی و بی‌عدالتی راه دیگر بار، باشما تجدید می‌کند.

روز کارگر را گرامی می‌داریم و این سنت کارگری را که از انگیزه‌ها، ارزش‌ها و آرمانهای سوسیالیستی آکنده است، از چرخ می‌نیمیم. تا زمانیکه استثمار و بی‌عدالتی، سطره طلبی و جفاخوازی، اجحاف و تبعیض و خودکامگی وجود در جهان هر صره جولان دارد، همبستگی قربانیان آن نیز پایا و پرهیزناپذیر خواهد بود.

شکست تجربه سوسیالیسم در بلوک شرق، نظریه‌پردازان انحصارات سرمایه‌داری و منادیان "نظم نوین جهانی" - بروایت آمریکا - را مجال آن داد که نفی ضرورت وجودی جنبش کارگری و انکار موضوعیت احزاب چپ و اتحادیه‌های مستقل کارگری را تبلیغ کنند و انواع مظالم و محرومیت‌ها علیه کارگران و زحمتکشان را نیز یکسره، موهوم شمارند.

بسیار پیش‌تر از آنکه اردوگاه شرق فروپاشد، تأثیرات ژرف ناشی از انقلاب‌های علمی - فنی در جامعه، از جمله در ترکیب و ساختار طبقه کارگر، نیازها و وظایف کیفیتا نوینی را در مقابل جنبش کارگری قرار داده بود. رواج تبلیغات موهومی چون پایان یافتن رسالت اتحادیه‌های کارگری، بیک تعبیر، تاوان درک دیرنگام این ضرورت‌هاست. بیکار روشنگرانه احزاب و سازمانهای چپ و دموکرات و تشکل‌های سندیکایی، در توضیح نقش ضرورت و جان‌نشین‌ناپذیر اتحادیه‌های کارگری در تحولات اجتماعی، یکی از مرصه‌های مهم مبارزه نیروهای چپ و دموکرات است.

مبارزه برای استقرار نظمی عادلانه در مناسبات بین‌المللی بویژه در مناسبات "شمالی و جنوب"، مبارزه برای تأمین آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک برپایه منشور حقوق بشر، مبارزه برای تثبیت صلح جهانی و مقابله با خطر بازگشت جنگ سرد و نیز ماجراجویی‌های منطقه‌ای، مبارزه علیه تخریب محیط‌زیست و مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی و دسترس‌پذیر تر کردن دستاوردهای دانش و فن برای توده‌های زحمتکش و محروم، از مرصه‌های اصلی مبارزه نیروهای مترقی و عدالت‌خواه و از اهم شعارها و وظایف جنبش کارگری است.

زحمتکشان هم میهن!

سیطره استبداد مذهبی در کشور ما، محرومیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زحمتکشان را تشدید کرده و حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سندیکایی را، پایمال نموده است. بدیهی‌ترین حقوق سندیکایی، از جمله حق برخورداری کارگران و زحمتکشان از تشکل‌های صنفی مستقل، پذیرفته نمی‌شود. اگر منادیان انحصارات سرمایه‌داری، از طریق انتقاد از جنبش کارگری و کارشناسی در امور تشکل‌های مستقل آن، در صدد "تثبات" ناموفق بودن آن هستند، رژیم اسلامی حاکم بر ایران، از طریق نفی فیزیکی آنها کوشیده است به این مدف موهوم دست یابد.

علیرغم تصریح حق تشکیل انجمن‌های صنفی در قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی، هنوز یگانه قانون حاکم بر تشکل‌های کارگری، قانون شوراهای

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت روز جهانی کارگر

اسلامی کار است. با تصویب قانون کار، نه تنها قانون شوراهای اسلامی لغو نشده بلکه انجمن‌های اسلامی نیز بمشابه یکی از "تشکل‌های کارگری" تثبیت قانونی یافته است! هر چند در قانون کار، روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) بعنوان روز کارگر رسمیت و "قانونیت" یافته، اما مجموعه سیاستها و اقدامات رژیم در قبال کارگران و زحمتکشان، همچنان حاکی از بیگانگی رژیم با روح و اهداف انسانی اول ماه مه است؛ خودکامگی و آزادی‌ستیزی، تاریک‌اندیشی و جمل‌پروری، ترور و شکنجه، سانسور و تقطیع عقاید و انواع تحمیلات ارتجاعی دیگر بویژه علیه زنان و اقلیت‌های ملی و مذهبی، سیاه‌ای است از کارگرد روزانه این رژیم. در شرایطی که فشار ناشی از بحران اقتصادی هر روز جانکاه‌تر می‌شود، تلاش چون آمیز رژیم برای افزایش هزینه‌های تسلیحاتی و تبدیل ایران به "ابر قدرت اسلامی" بی‌وقه ادامه دارد.

اما این خودکامگی‌ها و این تشنات، بی‌پاسخ نمانده و نمی‌ماند؛ بی‌اعتنایی پرمعنا و چشم‌گیر مردم به فراخوان شرکت در انتخابات مجلس چهارم، افزایش تحریک محافل روشنفکری ایران در مبارزه فرهنگی، افزایش شمار اعتصابات و اعتراضات در واحدهای تولیدی و خدماتی کشور طی سال گذشته، افزایش ناراضی و تظاهرات اعتراضی در دانشگاهها، افزایش واکنش‌های اعتراضی مردم نسبت به فشار هزینه زندگی (از جمله واکنش موثر و موفق مردم تهران در برابر افزایش نرخ بلیط اتوبوس‌ها) از جمله این پاسخ‌هاست.

کارگران و زحمتکشان ایران!

میهن ما امروز مبرم‌تر از دیروز، نیازمند پاسخگویی درخور به خودکامگی رژیم آخوندی است. مبارزه در راستای آزادی و دموکراسی، برگزاری انتخابات آزاد و تأمین مرجعیت مردم محور اصلی تلاش مشترک و حرکت هماهنگ انتشار گوناگون جامعه ما علیه رژیم کنونی است. مبارزه بخاطر تأمین حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی و سندیکایی، آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، حق اعتصاب، حق ایجاد ویا عضویت در تشکل‌های سیاسی و سندیکایی، تضمین حق بازگشت آزادانه و امن مهاجران سیاسی، منع پیگرد بخاطر عقیده و وجدان و دیگر آزادی‌های فردی و اجتماعی، مبارزه کرد.

کارگران مبارز!

افزایش سطح دستمزدها متناسب با سطح هزینه زندگی، مقدم‌ترین خواست شماست و تأمین حقوق کار-همچنان در مرکز مطالبات جنبش سندیکایی قرار دارد. وظیفه مبرم شما کارگران مبارزه برای افزایش سطح دستمزدها متناسب با سطح هزینه زندگی، مبارزه برای اصلاح قانون کار، لغو قانون شوراهای اسلامی کار، تأمین حق برخورداری از تشکل‌های صنفی مستقل، تأمین حق اعتصاب، انحال انجمن‌های اسلامی در همه محیط‌های کار، تأمین حق بیمه بیکاری با شرایط مناسب، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، بهبود وضعیت تعاونی‌های مصرف و مسکن از طریق دموکراتیزه کردن ساختار اتحادیه‌های امکان و اسکان است.

فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت اول اردیبهشت ۱۳۷۰

اعتصاب رانندگان شرکت واحد

شرکت واحد را وادار سازند پرداخت ماهه‌التفاوت ۳۴ میلیون ریالی را متعهد شود. با این تعهد، رانندگان به اعتصاب پایان دادند و رفت و آمد اتوبوسها در تهران از سر گرفته شد. با وجود پایان اعتصاب در شرکت واحد، اعتراض دیگر رانندگان همچنان ادامه یافت. احتمال تبدیل این اعتراض به یک

پرداخت حق بیمه‌ای در این حد و نیز تأمین مبلغ ۷۰ میلیون ریال در صورت حادثه منجر به مرگ، چه برای رانندگان و سایل نقلیه همومی و چه برای اکثریت قریب به اتفاق رانندگان وسایل شخصی ناممکن بود. ازینرو واکنش سریعی برانگیخت و برپایه آن اعتصاب شرکت واحد شکل گرفت. علاوه بر این عده زیادی از رانندگان وانت‌بار و مینی‌بوس در میدانی تهران ویا در برابر دفاتر روزنامه‌های کثیرالانتشار تجمع کردند. آنها نیز خواهان لغو مقررات تازه گردیدند. در پی این حرکات اعتراضی، مدیرعامل شرکت واحد به مذاکره با رانندگان پرداخت. در این مذاکره رانندگان موفق شدند

ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۷۰ و ماده ۳ قانون سابق دسات مقرر می‌دارد: «لا یجوز قتل مرد مسلمانی بکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها سخر می‌باشد و تلفیق آنها جایز نیست: ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند ۳- یک هزار گرم مسند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند ۴- دست لباس سالم از حله‌های پشم که یک هزار دینار مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است ۵- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش. که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد...»

پیرامون اوضاع سیاسی کشور

گزارش مصوب شورای مرکزی سازمان

در روزهای ۱۴ و ۱۵ مارس، اجلاس وسیع سازمان تدابیر خلق ایران (اکثریت) طبق تصمیم دومین کنگره سازمان مبنی بر تشکیل جلسه ای از اعضای شورای مرکزی، مسئولان واحدهای کشوری و اهالی گروه های کار، برگزار شد. در این نشست، پیرامون اوضاع سیاسی کشور، وظایف جاری سازمان، بررسی کارکرد شورای مرکزی و دیگر امورات مربوط به حیات و عملکرد سازمان بحث و بررسی بعمل آمد و تصمیماتی در راستای پیشرفت فعالیت های سازمان اتخاذ شد.

اجلاس پیرامون گزارش سیاسی ارائه شده از سوی شورای مرکزی اظهار نظر کرد و ضمن طرح انتقادات و تذکرات بمنظور تصحیح و تکمیل این گزارش، موافقت خود را با کلیات این گزارش و انتشار آن اعلام داشت. شورای مرکزی سازمان در اولین نشست خود پس از برگزاری اجلاس وسیع، یاد نظر داشت پیشنهادها و تذکرات مدهوین به اجلاس، این گزارش را تدقیق و تصویب کرده که اینک متن شامل آن از نظر خوانندگان میگردد.

اماییش از محتلفه این گزارش، لازم میباشد همین توضیحی را که در مقدمه گزارش ارائه شده به اجلاس وسیع آمده بود، برای اطلاع خوانندگان از کم و کیف این گزارش در همینجا درج کنیم.

سخنی کوتاه درباره گزارش سیاسی

در جریان تدوین گزارش سیاسی اوضاع کنونی، شورای مرکزی سازمان تصمیم گرفت که با اتکا بر گزارش مفصلی که توسط شورای مرکزی قبلی به کنگره دوم ارائه شد و سپس در نشریه کار انتشار یافت، گزارش سیاسی حاضر را صرفاً به تغییرات جدید قابل تاکید در کشور محدود کند و از ورود در مرصه هایی که هنوز سخن جدیدی درباره آنها ندارد، خودداری کند. از اینرو:

اولاً گزارش از اوضاع ایران بیشتر متوجه تحولات در حکومت و نیز پاره ای تحولات در صفوف اپوزیسیون است. خط مشی سیاسی مصوب کنگره دوم موضع کلی ما را در برابر کلیت رژیم تصریح و نیز مشی عمومی ما را فرمولبندی کرده است. در این گزارش کوشش شده تا بنحو مشخص تری مشی سیاسی سازمان در وظایف روزمره ما تجلی یابد.

ثانیاً، در حالی که در شورای مرکزی نظر بر این بود که هم بلحاظ اهمیت روندهای جاری در سطح جهان و هم از نقطه نظر متدیک ضرورت دارد که گزارش سیاسی از ارائه تصویری از جهان آغاز شود، معذراً نظر به عدم آمادگی کافی برای ورود در این مرصه بفرنج و نیز کمبود وقت، تصمیم بر این شده که به گزارش کوتاه از اوضاع منطقه و کشورهای پیرامونی ایران، که در آنها حوادث مهم و تاثیر گذار بر آینده کشورمان جریان دارد، بسنده شود.

درباره تحولات منطقه

فروپاشی اتحاد شوروی که مهمترین تحول پس از جنگ جهانی دوم است، جهان و مشخصاً منطقه ما را در وضعیت کاملاً جدیدی قرار داده که نیازمند نگاهی جدید و تلاشی جدید برای جهت یابی است. با توجه به اینکه تحلیل ریشه های دراز مدت تحولات جهان، منطقه و چشم انداز آینده آن در دهه های بعد نیازمند بررسی بیشتر و کار برد خرد جمعی است در این گزارش درنگ کوتاه روی روندهای عمده و بررسی آینده قابل پیش بینی اکتفا میشود.

روندهای جهانی، اساساً تحت تاثیر منافع، اهداف و سیاست های جهان سرمایه داری پیشرفته رقم میخورد. در این بخش از جهان، با آنکه در مقایسه با دهه هشتاد بحران های اقتصادی پدید آمده و هوارش اجتماعی آن ها رو به گسترش است، معذراً این واقعیت نافی بی رقیب بودن آن در جهان امروز نیست و باید گفت که هیچ آلترناتیوی جدی در برابر آن وجود ندارد.

این بخش از جهان دارای منافع مشترکی است که اثر آن در برابر هر کشور و یا نیروی منطقه ای و یا جنبش های مقابله جویانه با این منافع، متحد میکند و به واکنش مشترک و امیدارد. دفاع از اشتراکات در برابر این یا آن نیروی ماقومت و ستیز، در اشکال گوناگون نظیر مجازات های اقتصادی، اعمال فشار سیاسی و روانی و نیز استفاده از زور نظامی تجلی مییابد. اختلاف در اشکال و تفاوت در حد اعمال فشار بر نیروی "اخلال" بهمیچوجه در برابر اشتراک و اتحاد عمل های آنها جنبه عمده ندارد.

با اینهمه، تضاد منافع در درون جهان غرب که همچنان قبل از همه و بیش از هر چیز بر سر بازار متمرکز است، واقعیت مهم دیگر این جهان است. دعوای سر بازارهای موجود و نیز بازارهای نوپدید، جدی است و تلاشها برای تأمین تقاضای تانکون نتیجه چندانی نداشته است. بعلاوه با حذف شوروی از معادلات سیاست جهانی، قطبهای مختلف قدرت در جهان غرب میکوشند در پر کردن خلأ قدرت ناشی از این تحول سهم بیشتری داشته باشند.

ایالات متحده آمریکا با دعوی رهبری جهان به سوی "نظم نوین" و قبل از هر چیز با اتکا به قدرت نظامی، سعی در تبدیل شدن به ابر قدرت بلامنازع دارد. بر زمینه اضمحلال ابر قدرت اتحاد شوروی، آمریکا میخواهد اداره خود را بر همه جهان اعمال کند و بویژه میکوشد تا سازمان ملل متحد و شورای امنیت را به عامل پیشبرد مقاصد خود بدل سازد. در خاور میانه، آمریکا بیش از سایر مناطق جهان موقعیت کسب کرده است. پس از پیروزی بر عراق، بر نفوذ ایالات متحده در جهان غرب افزوده شده و واشنگتن کارگردانی مذاکرات اعراب و اسرائیل را بر عهده گرفته است.

اروپا که به سوی وحدت پیش میرود، از آنجاکه کمتر از ایالات متحده به نیروی نظامی متکی است، میکوشد تا تقسیم مجدد قدرت در جهان بیشتر بر مبنای توان اقتصادی و نفوذ سیاسی باشد تا قدرت نظامی. در اروپا بیش از سایر کانونهای قدرت میکوشند تا معیار قدرت و نفوذ با اصولی مانند تعهد به دموکراسی و بازار آزاد تعریف شود. کنفرانس چندی پیش سران کشورهای عضو بازار مشترک در ماستریخت که جدی بود و روند وحدت اروپا را نشان داد، گام مهمی در راستای حضور قدرتمندتر اروپای غربی در صحنه جهانی بود.

سرمایه داری به لحاظ اقتصادی بسیار پویای ژاپن همچنان قدرت نظامی است. توسعه طلبی این سرمایه داری، در استراتژی و تاکتیک های تهاجمی آن در فتح بازارهای جدید، حتی بازار داخلی رقبای خود در آمریکای شمالی و اروپا، بازتاب می یابد. قدرت پول، شعار ژاپن است و این قول اقتصادی در مناطقی از جهان دارای امکانات مساعد برای بسط نفوذ خود است.

در کنار این سه نیرو و بادباز نفوذ جهانی، قدرت های منطقه ای وجود دارند که طیف آنها بسیار گسترده است: از روسیه پهناور گرفته تا چین پر جمعیت ترین کشور جهان، از هند گرفته تا برزیل. در این بخش عقب مانده جهان که حدود ۸۵ درصد انسانها در آن زندگی میکنند، ملاق و منافع متنوع و گاه متضاد است. هنوز این بخش از جهان در برابر سه قدرت اصلی سرمایه داری حول منافع مشترکی که بی تردید وجود دارد، و در راس آن ضرورت عادلانه کردن نظام اقتصادی بین المللی است، متحد نشده است. به نظر نمی رسد در آینده قابل پیش بینی چنین اتحادی شکل بگیرد.

بخشی از دنیای عقب مانده امروزی با یک ششم جمعیت کل جهان، کشورهایی را در بر میگیرد که اکثریت قاطع جمعیت آنها مسلمان است. خصوصیات مشترک مذهبی و فرهنگی، ملل این کشورها را به هم پیوند می دهد که عقب ماندگی فرهنگی و اجتماعی بارزترین آن است. در اغلب کشورهای این بخش از جهان، رژیم های مستبد حاکم اند. در هیچ بخشی از جهان مانند این کشورها، رقابت بین ایدئولوژی های تمامیت گرا برای کسب هژمونی حاد نیست.

اکنون در قیاس با سالهای قبل که ناسیونالیسم های چون ناسیونالیسم عرب برای بخشهایی از این دنیا گیرایی خاصی داشت به نظر میرسد بنیادگرایی اسلامی زمینه های مساعد تری برای گسترش نفوذ خود مییابد. بارزترین نشانه این روند تحولات شمال آفریقا است. اگر الجزایر به دست بنیادگرایان بیافتد، احتمال پیوستن مراکش و تونس به این روند کم نیست. سودان و بدرجه کمتری پاکستان، تحت نفوذ بنیادگرایی اسلامی اند. در مصر اگر رژیم حاکم در حل مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی همچنان ناموفق بماند، ثبات فعلی نظام سیاسی از سوی افراطیون اسلامی مورد تعدید قرار خواهد گرفت. در فلسطین، لبنان و اردن تجاوزگری لجام گسیخته اسرائیل زمینه را برای رشد اسلام رادیکال فراهم کرده است. در ترکیه، مسلمانان - بنیادگرا آلترناتیو نیرومندی در برابر پان ترکیست های غیر مذهبی محسوب میشوند. در ایران بنیادگرایی اسلامی سیزده سال است که حکومت میکند و در جمهوری های مسلمان نشین شوروی سابق بنیادگرایی رو به رشد است.

تردیدی نیست که کل جهان غرب به این پدیده با نگرانی و سو ظن بسیار می نگرد. تا وقتی شوروی وجود داشت و خود مانع عمده ای بر سر راه بسط نفوذ بنیادگرایی محسوب میشد، نگرانی غرب تا این حد نبود. غرب در افغانستان تا به آخر از افراطی گری اسلامی در برابر شوروی دفاع کرد و حتی کوشش هایی به عمل آورد تا از جمهوری اسلامی نیز در شکل

دادن به جبهه ضد کمونیستی بهره گیرد. اما شوروی حتی رودتر از موعدهی که غرب انتظار داشت، فرو پاشید. آسیای میانه ناگهان در برابر هجوم ایدئولوژیک بنیادگرایی اسلامی بی دفاع ماند. از نظر بسیاری از نظریه پردازان غرب، خطای نیمه قرن بیستم تکرار شده است: "همانگونه که تمرکز فو اعلیه فاشیسم، باعث شد تا قدرت عظیمی در قامت "سوسیالیسم واقعا موجود" سر بر آورد، تلقی کردن کمونیسم بعنوان دشمن اصلی و کم بعدا دادن به خطر اسلام ستیزه جو خطر رویارویی با قدرت جدیدی بنام بنیادگرایی اسلامی را ایجاد کرده است."

از جمله عواملی که باعث شده است آمریکا در تلاش برای حل و فصل مسائل میان اسرائیل و کشورهای عربی همسایه آن شتاب نشان دهد، احساس همین خطر است. حالت نه جنگ و نه صلح فعلی در خاور نزدیک، یکی از عوامل عمده ارتزاق افراطی گری اسلامی است. رژیم های عرب اگر بتوانند امتیازهای مشابهی مانند پس گرفتن صحرای سینار کسب کنند، از نظر واشنگتن در برابر افراطی گری اسلامی مصونیت بیشتری خواهند داشت. در ایالات متحده، حامیان اسرائیل نفوذ سیاسی و اقتصادی گسترده ای دارند که مانع تحرک سیاست این کشور در قبال خاور نزدیک است و نمی گذارد ایالات متحده فشار لازم را برای امتیاز گرفتن از اسرائیل به این کشور وارد کند.

اروپا، که تا چندی پیش در مقابل جمهوری اسلامی سیاست متفاوتی با آمریکا در پیش گرفته بود، به نظر میرسد که در مقابله با خطری که از ناحیه افراطی گری اسلامی احساس میکند، به مشی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی نزدیک شده است. این نکته بسیار قابل توجه است که هانس دیتریش گنشر، وزیر خارجه آلمان و سیاستمدار محبوب آخوندها، در نیویورک از رهبری روسیه خواسته است تا کم کمهای نظامی به ایران را قطع کند. اروپا و به ویژه آلمان تحت فشار آمریکا از مشارکت جدی در بازسازی ایران پس از جنگ خودداری میکند. تغییرات در سیاست اروپا بویژه با تحولات اخیر الجزایر، همسایه جنوبی بلا فصل اروپایی ها، مشهورتر شده است.

بزرگترین زمینه است که می توان به درک روشن تری از آنچه در پیرامون ایران می گذرد، رسید. دور تا دور ایران کانون های بالفعل و بالقوه بحران وجود دارد:

در نیم دایره ای که از شمال غربی تا شرق ایران امتداد دارد، رقابت سختی میان جمهوری اسلامی از یک سو و ناسیونالیسم ترک و محافظه کاری اسلامی به سبک پاکستان و عربستان از سوی دیگر، در گرفته است. رقبای جمهوری اسلامی مورد حمایت آمریکا قرار دارند. آمریکای خواهد با حمایت از ترکیه مانع نزدیکی آذربایجان و آسیای میانه به ایران گردد. ایالات متحده بخوبی آگاه است که هر قدر هم نفوذ فعلی جمهوری اسلامی در افغانستان کم باشد، جمهوری اسلامی ایران در صورت کسب مواضع نیرومند در جمهوری های سابق شوروی، امکان این را می یابد که در سر نوشت افغانستان نقش بیشتری کسب کند. موفقیت آمریکا در دور نگه داشتن جمهوری اسلامی از سیاست قفقاز و آسیای میانه تا حدی به این بستگی دارد که ایالات متحده تا چه حد بتواند منافع مالی عربستان را جلب این کارزار کند. آمریکا خود حاضر به سرمایه گذاری های عمده ای که بتواند نیازهای شش جمهوری مسلمان نشین سابق شوروی و نیز افغانستان را تأمین کند، نیست. ترکیه نیز چنین توانی ندارد.

در جنوب ایران آمریکا سیاست خود را با موفقیت پیش برده است. عربستان و سایر حکومت های محافظه کار عرب اتحاد تنگاتنگ با آمریکا را به هرگونه همکاری امنیتی با تهران ترجیح داده اند. خلیج فارس و دریای عمان کماکان تیول آمریکاست و نیروی دریایی این کشور آبهای جنوبی ایران را در اختیار خود گرفته است. پول نفت کشورهای حاشیه خلیج فارس را از نفوذ بنیادگرایی مضمون نگه داشته است و به نظر می رسد آمریکا از این ناحیه کمتر احساس نگرانی دارد.

عراق یکی دیگر از مرصه های رقابت است. آمریکا تغییر رژیم صدام حسین به سود پیروزی ائتلاف احتمالی شیعیان و کردها را نپذیرفته است. آمریکا، حذف صدام حسین را با شرط استقرار حکومتی "معتدل" گره زده است. این محدودیت ها به صدام حسین امکان داده است تا رژیم خود را پابرجا نگهدارد. برخی از مقامات

آمریکایی همچنین سخن از چشم انداز جنگی میان ایران و عراق طرف ده تا پانزده سال آینده به میان آورده اند. این اظهارات که در ارتباط با تلاش جمهوری اسلامی برای افزایش زرادخانه خود بیان شده است عمل نوعی تهدید تهران است.

مجموعه این روندها تابلوی نگران کننده ای از منطقه بدست می دهد. آمریکا هم چنان به منطقه ما بعنوان تأمین کننده بخش عمده ای از نفت جهان، چشم طمع دوخته و جمهوری اسلامی با ماجراجویی و توسعه طلبی خود زمینه را برای شکل گیری کانون های خطرناک بحران در پیرامون ایران فراهم آورده است. از سوی دیگر هشت سال جنگ خانمانسوز با عراق به مردم ایران امکان می دهد با اتکا به تجربه های نزدیک، به مسائل مربوط به امنیت خارجی با چشمان بازتری بنگرند. مردم ما از جنگ بیزارند و شاید از این لحاظ یک گام تعیین کننده از مردم سایر کشورهای منطقه جلوتر باشند. در ایران زمینه کمتری برای سوداگری جنگ افروزانانه که بخاطر توجه استبداد خود همواره انگشت اشاره به دشمن موهوم یا واقعی خارجی دارند، دیده می شود.

بعلاوه موضوع بنیادگرایی اسلامی تا آنجا که به جامعه ایران مربوط می شود یک پارادوکس است. در واقع آنچه که اکنون برای بسیاری از توده های مسلمان سرخورده از انواع راه حل های قومی، ملی گرایانه، فربنی و نیز الگوهای رشد مخالف سرمایه داری جذابیت پیدا کرده است، سیزده سال است که نجوشت خود را در همه شئون زندگی مردم ایران نشان داده است. بنیادگرایی اسلامی اگر در خارج از ایران برای توده های کثیری یک آغاز و یک امید تازه است، در دهن اکثریت مردم ایران یک پایان و یک درداست. رژیم جمهوری اسلامی اگر در خارج از ایران در موضع تهاجمی است در مقابل در درون کشور در موضع حفظ وضع موجود و به اعتباری در موضع دفاعی قرار دارد. هم استفاده از صدور اسلام برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات رژیم در داخل کشور منطبق دارد و هم احتراز از ماجراجویی در سیاست صدور اسلام. برخی رگه های "واقع بینی" در سیاست خارجی تهران نه تصادفی و نه ناشی از صلح طلب شدن ناگهانی آخوندهاست. بلکه تا حدی به حساب آوردن تمایل قاطع افکار عمومی ایران به احتراز از جنگ طلبی و ماجراجویی است. این زمینه مساعد برای مشی صلح دوستانه وجود دارد. از همین روست که اپوزیسیون دمکرات ایران باید پرچمدار این مشی باشد؛ سیاستی که در موارد زیر خلاصه می شود:

احتراز از مسابقم تسلیحاتی، تلاش برای توافق با کشورهای منطقه بر سر کنترل و کاهش تسلیحات و نیروهای نظامی، انعقاد پیمان جمعی عدم تجاوز و امنیت مشترک با حضور همه کشورهای منطقه بدون استثنا، چشم پوشی از هرگونه فرامتن طلبی از عراق و اعضای قرار داد صلح دائمی با این کشور، تلاش برای گسترش همکاری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با همه کشورهای منطقه و پیروی از سیاست مرزهای باز.

کوشش در راه به اجرا در آوردن حقوق بشر در کشورهای منطقه و جلوگیری از پایمان شدن آن توسط حکومت ها. بدیهی است که چنین مشی صلح طلبانه ای نمی تواند سیاست رژیمیی باشد که در داخل، حقوق بشر را زیر پای می گذارد و برای اراده و خواست مردم ناگسنتی دارند، همانگونه که جنگ و سرکوب نیز د. وصول نامبرده در سیاست خارجی نباید به بعد از پایان دادن به حیات حکومت سرکوبگر فعلی موکل شود. این اصول نیز مانند خواستهای روزمره مردم باید مورد تاکید و تبلیغ مداوم قرار گیرد. راه درست دفاع از منافع ملی در برابر توسعه طلبی کشورهای قدرتمند و به ویژه آمریکا پیروی از این اصول است که در صورت تحقق، خود بخود سد راه قلدر منشی و مداخله خارجی در امور منطقه خواهد شد.

نگاهی گذر ابر سیر اوضاع کشور

تحولات سال های ۶۷-۶۷
برای درک روندهای جاری در کشور مروری کوتاه بر تحولات سال ۶۷ و سالهای بعد ضروری است. حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" و سیاست های آن تا سال ۶۷ جامعه ما را با بحران ساختاری، اقتصادی، سیاسی و ساختار حکومتی مواجه ساخته بود. بخشی از سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی دریافتند که با تداوم سیاست های چندین ساله، ادامه جنگ ایران و عراق و تخریب شدید اقتصاد نمی توان حکومت اسلامی را زان زمان طولانی حفظ کرد و هر گاه دیر بجنبند قافله را خواهند باخت. سیاست های گذشته گرچه محصول کل نظام بود، ولی بحران رژیم، قبل از هر چیز به بن بست رسیدن مشی افراطی در حکومت

بود.

بخشی از سران حکومت راه نجات نظام را در آن دیدند که برای مهار بحران از یکسو بدرجاتی از سیاست های قبلی فاصله بگیرند و از سوی دیگر به تغییراتی در ساختار حکومت دست بزنند. در این رابطه خمینی در اواخر مهرش "جام زهر نوشید" و به جنگ ایران و عراق خاتمه داد و راه را برای فاصله گیری از سیاست های گذشته گشود. او همچنین با خلع منتظری از قائم مقام رهبری و تفکیک امر مرجعیت از رهبری شرایط را برای حل مسأله رهبری مورد نظر خود آماده کرد و با توافق بر سر حذف پست نخست وزیری به شکل گیری ائتلاف مناسب برای تداوم حکومت جمهوری اسلامی یاری رساند. منتظری با مامی انتقاد که نسبت به سیاست های خمینی پیش برده بود در چارچوب تدابیر برای آینده "نظام" نمی گنجید.

در سایه این تدابیر، بعد از مرگ خمینی تلاطم چندانی در "بالا" پیش نیامد و خامنه ای با نشستن در منزلت رهبری و رفسنجانی با در دست گرفتن قدرت اجرایی کشور، مشترکاً مسئولیت حفظ نظام را بر عهده گرفتند. خمینی می خواست ثقل قدرتمندی بوجود آورد تا خامنه ای از مرگ او جبران گردد. این ثقل همان ائتلاف خامنه ای و رفسنجانی بود.

میر حسین موسوی، بلاگردان سیاست های گذشته رژیم شد. بر اثر تحولاتی که قبل و بعد از مرگ خمینی در صحنه سیاسی کشور پیش رفت او و کابینه اش حذف گردید و جناح تندرو که قبل از آن اکثریت مجلس، کابینه و حمایت قدرتمند خمینی را یک می کشید به موقعیت جناح غیر مسلط رانده شد. ورشکستگی سیاست های تندروانه از یکسو و تلاش جمعی همه جناح های حکومتی برای حفظ نظام از سوی دیگر، مانع از این شد که تندروها جلو این تغییرات بایستند و به مقابله برخیزند.

در ائتلاف شکل گرفته موقعیت و خط مشی خامنه ای و رفسنجانی متفاوت بود. خامنه ای از زمان حیات خمینی با جناح رسالت نزدیکی های قابل توجهی داشت، بی آنکه خود جزو این جناح باشد. او رئیس جمهور دولتی بود که ناراضیاتی خود از سیاست های آن را پنهان نمی کرد. خامنه ای در انتقاد از عملکرد دولت میر حسین موسوی تا آنجا پیش رفت که چند بار بخاطر مقابله اش با او، با توپ و تشر خمینی مواجه شد.

رفسنجانی که سال ها همسو با خمینی، مواضع تندروها را تایید و تبلیغ می کرد زودتر و بارزتر از دیگر سران حکومتی به بی سرانجامی و در ماندگی سیاست های حاکم پی برد و بتدریج از جناح تندرو فاصله گرفت و درصدد طراحي سیاست های دیگر برآمد. او شیوه خوراندن این سیاست به خمینی را در پیش گرفت. "ایران گیت" اولین برآمد این سیاست ها بود که هنوز در چارچوب مشی سابق "جنگ، جنگ تا پیروزی" قرار داشت. سیاست ها و موقعیت مساعد رفسنجانی در میان مجموعه طرفداران جمهوری اسلامی، سردمداران حکومت از جمله خمینی را به این نتیجه رسانده بود که مدیریت کشور را به او بسپارند. زمانی که رفسنجانی بر مسند ریاست جمهوری صاحب اختیار نشست. برنامه خود را به عنوان "بازسازی کشور" ارائه داد. هدف اصلی برنامه او مهار بحران اقتصادی و به تعادل رساندن اقتصاد کشور، درآوردن رژیم از انزوای بین المللی و ساختن سیمای قابل پذیرش تر از رژیم جمهوری اسلامی و صلح بین المللی بود. او در مجموع می خواست سیاست های معتدلی را پیش ببرد. اما او میخواست برنامه خود را در چارچوب حفظ حاکمیت روحانیت پیش ببرد و لاجرم نقض شدید حقوق بشر و تداوم سیاست انحصارگری و سرکوب مخالفان از مشخصه های اصلی سیاست او بود.

رفسنجانی در آخرین ماه های حیات خمینی، از عناصر اصلی گروهی حاکمه بود که کشتار بیرحمانه زندانیان سیاسی را طرح و به اجرا گذاشتند. برای رفسنجانی نه نفی نظام بلکه برعکس اصلاح و طولانی تر کردن عمر آن مطرح بود. خطوط زیر را کمابیش می توان محورهای برنامه او تلقی کرد که البته فقط در طی زمان از روشنی برخوردار شد:

۱- تلاش برای نزدیکی به غرب با هدف جلب کمک فعال آن در بازسازی اقتصاد کشور و خروج از انزوای بین المللی، چهره آراییی در صحنه جهانی به عنوان رژیم معتدل اسلامی، فاصله گرفتن از روش های ماجراجویانه در صدور انقلاب اسلامی و کوشش در اشاعه اسلام به شیوه هایی که با موازین بین المللی مغایرت پیدا نکنند.

۲- کاستن از نقش فوق العاده دولت در اقتصاد کشور، ایجاد تسهیلات بیشتر برای بخش خصوصی، راه انداختن صنایع کشور و جلب سرمایه های تجاری بسوی تولید، جلب نیروهای متخصص و سرمایه های ایرانی خارج از کشور.

۳- تعدیل جریبی فشارهای وارده بر مردم در زمینه مسائل اجتماعی، گسترش پایگاه اجتماعی دولت در بین اقشار متوسط جامعه و جلب تکنوکرات ها، پذیرش فعالیت فرهنگی روشنفکران غیر وابسته به رژیم به صورت محدود و در همانحال مخالفت قاطع با فعالیت هر نوع تشکل سیاسی منتقد حکومت جمهوری اسلامی و سرکوب سازمان ها و ترور شخصیت های اپوزیسیون.

برنامه های اقتصادی رفسنجانی گرچه از نیازهای جامعه برخاسته بود ولی به هیچوجه پاسخگوی بحران عمیق نبود. بحران موجود، تحولات پایه ای و رادیکالی را میطلبد. مهار بحران و بازسازی کشور ما، مستلزم شرکت فعالانه مردم، نیروهای متخصص و روشنفکران جامعه است و این نیاز با استبداد مذهبی و سیاست سرکوب مغایرت داشته و دارد. با نیروهای واپسگرا و با فارتگران جامعه و بدون تغییر اساسی در ساختار سیاسی و حکومت و شیوه های اداره کشور نمی توان بر بحران فائق آمد. ناتوانی و ناکامی برنامه های اقتصادی و اجتماعی رفسنجانی از ابتدا روشن بود.

جناح رسالت با این خطوط اشتراکات و تمایزاتی داشت. درحالیکه این خطوط در وجه اصلی اش با مشی تندروها اساساً ناهمخوان بود. بگونه ای که، تقریباً از همان ابتدا تندروها آن را فاصله گرفتن از "خط امام" و خمینی زدایی تلقی کردند. آنچه مسلم بود پیشبرد سیاست های رفسنجانی با تقابل تندروها و نیرو می شد و در تداوم خود در مواردی نیز عکس العمل رسالتی ها را برمی انگیزت.

رفسنجانی با توجه به برنامه و موضع جناحها و نیروها به یک سری ائتلاف ها دست زد. او از یکسو دست در دست جناح رسالت که در پیوند تاریخی و پایدار تجار بازار و روحانیون است و قشری ترین و محافظه کارترین نیروی سنتی مذهبی را نمایندگی میکند، گذاشت و از سوی دیگر به جلب همکاری نیروهای تکنوکرات برآمد و کابینه خود را عمدتاً از تکنوکرات ها تشکیل داد. رسالت که تا آن موقع مخالف دولت بوده حمایت از رفسنجانی برآمد و جناح تندرو تدریجاً به مقابله با آن برخاست.

با فاصله گرفتن از مرگ خمینی و تلاش رفسنجانی برای نزدیک شدن به غرب، درگیری بین جناح تندرو و ائتلاف حاکم حدت یافت، بی آنکه این تلاش ها برای جلب نظر غرب به نتایج چندانی برسد. بعلاوه حالت نه جنگ و نه صلح با عراق ادامه داشت که بعنوان مانعی برای خروج جمهوری اسلامی از انزوای بین المللی تاثیر می کرد. جنگ خلیج فارس فرصت های عالی برای رفسنجانی بوجود آورد. او نیز با اتخاذ سیاست های واقع بینانه توانست از موقعیت جدید حداکثر بهره برداری را بگند. مسأله مربوط به جنگ ایران و عراق تا حدود زیادی حل شد، تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی لغو گردید، درآمد ارزی افزایش یافت و مناسبات با کشورهای غربی و منطقه گسترش پیدا کرد. جمهوری اسلامی از حالت انزوا درآمده و قراردادهای اقتصادی چندی با کشورهای اروپایی غربی بسته شد. بعلاوه ائتلاف حاکم در پی این گشایش ها و تحرک های موفقیت آمیز سیاسی، توانست ضربه کاری بر جناح تندرو وارد آورد و به این ترتیب، زمینه را برای پیشبرد سیاست های حاکم فراهم تر کند.

رفسنجانی علاوه بر برقراری مناسبات نزدیک با یکسری از کشورهای غربی و منطقه نظیر عربستان سعودی، مراکش، مصر و غیره برای مذاکره با آمریکا به تلاش هایی دست زد. اقدامات او تا آنجا پیش رفت که جلسه ای با شرکت وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس بانک مرکزی با سرمایه داران فراری ایرانی تشکیل و آجنداعوت به ما گشت شدند.

وضعیت کنونی حکومت

پیشرفت های دولت رفسنجانی چندان ناپید و بعد از مدتی با موانع و سدهای جدی روبرو گردید. در حالیکه او هنوز بهره چندانی از مناسبات سیاسی و اقتصادی جدید با غرب و حکومت های باصلاح "مردت" نبرده بود که تندروهای حکومت به تعاجم سنگین علیه دولت برخاستند و مذاکره با سرمایه داران ایرانی مقیم خارج از کشور، خشم شدید جناح تندرو را برانگیخت و در پی آن کارزار شدیدی علیه سیاست های جدید براه افتاد. مجموعه فشارها موجب شد که رفسنجانی در این زمینه و مذاکره با آمریکا عقب بنشیند. فشار تندروها، تداوم نقض حقوق بشر، تروخ اختیار، فعالیت اپوزیسیون خارج از کشور، تحرک جمهوری اسلامی در جمهوری های مسلمان نشین شوروی بویژه پس از استقلال آنها، و اومه قرب از نیرو گرفتن بینادگراهای اسلامی در تعدادی از کشورهای بنویه خود تردید قرب برای سرمت و گسترش بخشیدن به رابطه با جمهوری اسلامی را افزایش داد. دولت، پس از یک رونق کوتاه در پیشبرد سیاست های خود، دچار رکود شد.

از چندی پیش، وضع بدبینگونه است که رژیم ایران تحت فشار شدید آمریکا و برخی از کشورهای غربی و مجامع بین المللی است و در منطقه خاور میانه هم در وضع مساعده قرار ندارد. در داخل کشور نیز، دولت رفسنجانی با مشکلات زیادی روبروست. جناح تندرو گرچه بر اثر ضربات ائتلاف حاکم تضعیف شده است ولی همچنان اعمال نیرو کرده و مواضعی را در این امر عرضه بوجود آورده است.

موقعیت های دولت رفسنجانی در عرصه اقتصادی چندان کار ساز نیست. تلاشهای او برای جلب سرمایه های سرگردان بسوی تولید و سرمایه گذاری به نتایج محسوسی نرسیده است. بازاری ها همچنان از سرمایه گذاری در تولید و خرید واحدهای صنعتی امتناع می ورزند. عملکرد مخرب سرمایه های

سرگردان همچنان ادامه دارد. بخش مهمی از بودجه کشور صرف تسلیحات نظامی و ارگان های سرکوب می شود. قول بوروکراسی مانند گذشته بخش اعظم بودجه و نیروی کشور را می بلعد. فساد در دستگاه دولتی ابعاد گسترده ای پیدا کرده و حیف و میل اموال دولتی و تجمل گرایی تشدید شده است.

زمانی که رفسنجانی روی کار آمد وعده های زیادی در مورد بهبود زندگی مردم داد. ولی در وضع مردم بهبودی حاصل نشده است. افزایش مداوم قیمت کالاها و خدمات، زمین و مسکن و اجاره خانه ها فشار سنگینی را بر اقشار متوسط کم درآمد جامعه وارد می آورد. برنامه اقتصادی دولت رفسنجانی نتوانسته مانع از فقر و فلاکت بیشتر مردم و انباشت ثروت های عظیم در دست عده ای فارتگز بشود. کاهش ناچیز فشار بر زندگی اجتماعی مردم به تشدید تقابل مردم با فرهنگ حاکم منجر شده است. مردم از فرهنگ اسلامی زده شده اند. این مسأله سران حکومت را بشدت نگران کرده است. عدم زهانت کامل حجاب اسلامی، حرکت فرهنگی نویسندگان و هنرمندان، عدم تمایل جوانان به فرهنگ حاکم، فاصله گرفتن از آن، از رونق افتادن مساجد، استقبال وسیع مردم از نوارهای صوتی و ویدئویی "مضه" و خرید و فروش و دست بدست گشتن وسیع این نوارها، طرح مسأله جدایی علم و اداره کشور از

مذهب توسط طیفی از نیروهای حکومتی اشکال مختلف جهت و متفاوت تقابل فرهنگی بارزیم است که از سوی حکومت، "تعاجم فرهنگی" نام گرفته است.

برای مقابله با این مسأله موج مبارزه با "تعاجم فرهنگی دشمن" راه افتاده است. ابتدا سازمان تبلیغات اسلامی و سپس کیهان پرچم مبارزه با "تعاجم فرهنگی" را برافراشتند و بدنبال آن ها خامنه ای بیدان آمد. جناح رسالت با همه قوا علیه "تعاجم فرهنگی دشمن" برخاسته است. هدف این حرکت پس گرفتن آن چیزهایی است که در سایه مبارزه مردم بدست آمده است. این حرکت توسط قشری ترین نیروهای رژیم برپا شده و خصلت واپسگرایانه و استبدادی دارد و در حقیقت بازگشت بسالهای نمیه اول دهه ۶۰ است. رفسنجانی گرچه با این جریان همصدا نشده است اما در عین حال به صراحت در مقابل آن نایستاده است. از نظر سیاسی این حرکت از سوئی متوجه نیروها و جریانات روشنگر، تریخوخواه و دموکرات جامعه است و از سوئی دیگر متوجه افراد و گرایشهایی هم در نیروهای موسوم به تندرو هم در درون ائتلاف حاکم است.

جناح رسالت در جریان انتخابات نمایندگان مجلس در دوره قبلی بخاطر قرار گرفتن محتشمی در راس وزارت کشور و حمایت خمینی از آن وزارت خانه در مقابل شورای نگهبان، نتوانست تعداد قابل توجهی را به مجلس بفرستد. جناح رسالت و بویژه ارگان مطبوعاتی آن در گذشته با سرزنش خمینی روبرو بود.

این جناح بعد از مرگ خمینی برزمینه ورشکستگی سیاست های تندروانه، و با اتکا برمناسبات دیرینه با خامنه ای و نیز ائتلاف با رفسنجانی از زیر ضرب خارج شد و فعالانه در مسأله سیاسی کشور شرکت جست. بعد از خمینی هملاسه قوه کشور بین جناح ها تقسیم گردید. اکثریت مجلس با تندروها بود، قوه اجرائیه بدست جناح میانه افتاد و قوه قضائیه به رسالت داده شد. در عین حال رسالتی ها شورای نگهبان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز را در قبضه خود داشتند. جناح رسالت در دو سه سال اخیر توانسته است موقعیت خود را استحکام بخشد. این جناح در تقابل شدید با تندروهاست و تمام نیروی خود را برای حذف آن ها از نهادهای حکومتی بکار میگیرد. جناح رسالت در ائتلاف با جناح میانه است. برخورد این جناح با دولت رفسنجانی چند جانبه است: از یکسو از یکسری برنامه های دولت وی حمایت می کند و در مقابل تندروها در صف او است و از سوی دیگر در عرصه هایی نظیر مسأله فرهنگی، کندی در دادن واحدهای تولیدی سودده به بخش خصوصی، پابرجایی قول بوروکراسی به اشکال مقتضی به مخالفت برمی خیزد. کوشش رسالت بر آن است که ائتلاف موجود در مقابل تندروها حفظ شود ولی رفسنجانی برنده این ائتلاف در نیاید.

در حال حاضر، شورای نگهبان ابزار حذف تندروها در انتخابات مجلس شده است. این ارگان مدام با چماق دادگاه ویژه روحانیت و قوه قضائیه بر سر نمایندگان تندرو می کوبد. رابطه جناح رسالت با خامنه ای در شرایط کنونی رابطه ای ظریف و پیچیده است. رسالت از رهبری خامنه ای دفاع می کند ولی حربه مرجع نبودن او را در دست دارد. رسالت با رفسنجانی در ائتلاف است ولی خامنه ای را در کنار خود دارد. خامنه ای نیز گرچه جزو جناح رسالت نبوده ولی نزدیکی زیادی با آن دارد. خامنه ای تلاش می کند با توجه به نقطه ضعفهای خود نظر مساعد "علمای اعلام" را حفظ کند. رسالت در زمینه اقتصاد طرفدار آزادی عمل کامل و بی قید و شرط بخش خصوصی و مخالف سرسخت اقتصاد دولتی است. این جناح به فقه سنتی و اداره کشور بر پایه آن

اعتقاد دارد، مجلس را بیشتر یک ارگان مشورتی تلقی می کند. از استبداد مذهبی و سرکوب مخالفان حمایت عمل می آورد و طرفدار گسترش ارتباط اقتصادی با غرب است اما با فرهنگ غربی و فرهنگ متجدد شدیداً مخالف است. جناح تندرو بر اثر ضربات کاری ائتلاف حاکم تضعیف شده است ولی تشکلهایی نظیر روحانیون مبارز و دفتر تحکیم وحدت و تعدادی از روزنامه ها و نشریات راهنوز در اختیار خود دارد. بعلاوه افزایش شتابان قیمت ها و فقر و فلاکت مردم و حرکات اعتراضی آنها بستر مساعده ای را برای فعالیت این جناح فراهم آورده است. این عوامل به جان سختی و مقاومت نیروهای تندرو در مقابل حذف آنها توسط ائتلاف حاکم یاری می رساند. در برخورد به مسأله آزادی بیان و مطبوعات، مسأله فرهنگی، نحوه برخورد با ائتلاف حاکم گرایشهای متفاوتی در بین این جناح شکل گرفته است که بویژه دو گرایش همده بارز است: در گرایش اول کسانی چون خاتمی و گردانندگان روزنامه سلام (خوئینی ها و اصغر زاده...) و عده ای از نمایندگان که از آزادی بیان و مطبوعات دفاع می کنند حضور دارند. این گرایش با موج مبارزه با "تعاجم فرهنگی دشمن" همراهی نکرد اما گرایش دیگر که توسط حزب الهی های عقب مانده و سرکوبگر نظیر محتشمی، فقاری و خنخالی نمایندگی می شود طرفدار اجرای بی کم و کاست "خط امام" با همان مشخصات گذشته است. این جناح، خصلت جناحی خود را اساساً از سابقه گذشته خود و از مخالفت با ائتلاف حاکم کسب می کند. در حالی که آنجا که به برنامه عمل و سیاست های روز برمی گردد هرچه بیشتر خصلت جناحی خود را از دست می دهد. بعلاوه، در رابطه با نحوه برخورد نسبت به ائتلاف حاکم که مشخصاً در چگونگی موضع گیری نسبت به مشی ائتلاف حاکم در جریان انتخابات مجلس دوره چهارم تجلی پیدا کرده است، در این جناح تفاوت در تاکتیکیا جدی است. در حالیکه بخشی از این جناح در تصریح اختلافات خود با ائتلاف حاکم محتاطانه تر عمل می کند، بخشی چون محتشمی ها، خنخالی ها و فقاری ها به مخالفت صریح با جناح حاکم برخاسته اند و بخشی نظیر خوئینی ها می گویند در موضع انتقادی سیاست های حاکم قرار گیرند بی آنکه در برابر رژیم جلوه کنند. و بالاخره گروهی نیز در پی ایجاد و یا احیا تشکلهای سیاسی خود هستند (مجاهدین انقلاب اسلامی...).

بدینسان گرچه در این جناح گرایشهای متعددی مشاهده می شود ولی هنوز در برخی عرصه ها برخورد های قبلی با شدت و ضعف ادامه دارد. در کل، تندروها طرفدار سرمایه داری دولتی و مخالف گسترش مناسبات با آمریکا و برخی از کشورهای غربی هستند. این جناح فاقد شخصیت با توریته و موزد پذیرش در بین نیروهای آن و نیز فاقد تمرکز و ارگان سیاستگذار و هماهنگ کننده است. جناح تندرو در پراکندگی شدید و بی سابقه ای قرار دارد.

با توجه به تحولات در این جناح و وجود گرایشهای متفاوت، اطلاق صفت تندرو به تمامی گویای خصوصیات این جناح نیست. این جناح سیر تکوینی خود را طی می کند. گرچه گرایشها هنوز به جدایی منجر نشده است ولی در آینده باید شاهد شکل گیری نهایی گرایشها بود. گرایش آزادخواهی در بین بخشی از این جناح با فعالیت روشنفکران غیر مذهبی همسوئی هایی با هم پیدا کرده اند.

حرکات اعتراضی مردم مردم از گرانی روزافزون کالاها و خدمات، افزایش اجاره خانه ها و قیمت مسکن و زمین، از کمبودها و تشدید فقر و فلاکت و از فشار های رژیم به تنگ آمده اند. در زمستان سال قبل یکسری حرکات اعتراضی شکل گرفت. دولت رفسنجانی در مقابل اعتراضات عقب نشست و به برخی از خواسته های مردم تن داد. تابستان امسال موج دیگری از حرکات اعتراضی مردم برخاست که ابعاد وسیعتری داشت: اعتراض نسبت به افزایش قیمت بیلیتاتو بوسها، حرکت اعتراضی مردم در باقر آباد تهران نسبت به خراب کردن خانه ها توسط شهرداری، تظاهرات مردم اصفهان در رابطه با برخورد با مومرین با زنان... مردم در جریان باقر آباد شعار می دادند "آخوند خدایی می کند، جلت گدایی می کند". اعتصاب پرادمنه کارگران پالایشگاهها در اوایل زمستان امسال از جایگاه ویژه ای در حرکات اعتراضی مردم برخوردار بود. نگرانی رژیم از این حرکت بارز بود. رژیم در این آخرین روزهای سال با اعتصاب گسترده در چند دانشگاه تهران که به تظاهرات خیابانی و حمله پاسداران به دانشجویان منجر شد و در جریان آن گروه زیادی از دانشجویان بازداشت شدند، قرار گرفت. اعتصاب هشدار دهنده کارکنان موسسه کیهان و تظاهرات گروهی از فارغ التحصیلان در برابر مجلس شورای اسلامی، از آخرین نمونه های بارز جنبش نارضایتی و اعتراضی است.

سیاست های اقتصادی دولت رفسنجانی موجب تشدید فقر و فلاکت در بین مردم شده است. او می خواهد بزبان اقشار کم درآمد جامعه، "تعادل اقتصادی" بوجود آورد. بخشی از نهادهای دولتی گوی سبقت در افزایش قیمت خدمات و کالا را از بخش

پرامون اوضاع سیاسی کشور

خصوصی ربه‌دهاند و دولت به انحاء مختلف مردم را سرکیشه می‌کند.

بر اثر این وضع اقتدار وسیع تری از جامعه به خط زیر فقر کشیده می‌شوند. بر اساس آمارهای سال ۶۵ حدود ۲۲/۷ میلیون نفر از مردم کشور ما زیر خط فقر بسر می‌برند. مسلماً با افزایش شتابان قیمت‌ها و افزایش ناچیز درآمد کارگران و کارمندان، رقم مزبور بالاتر رفته است.

در همین حال هر ساله نزدیک به دو میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده می‌شود که امکانات موجود را بلعیده و بعنوان عامل موثر در تشدید فقر و عقب ماندگی عمل می‌کند. افزایش تولیدات صنعتی در سالهای ۶۶ و ۷۰ به بهبود زندگی مردم منجر نشده است.

اکنون شکاف طبقاتی در جامعه مابین سابقه است و ثروت بی‌کرانی در دست عده قلیلی متمرکز شده که در فعالیت‌های تولیدی دخالت کمتری داشته و عمدتاً متعلق به بخش‌های خدماتی و دولتی است.

این مسائل همراه با سایر فشارهای اجتماعی حالت انفجارگونه در مردم بوجود آورده است که بصورت ناراضی گسترده و حرکات اعتراضی نمود پیدا می‌کند. کمالی وزیر کار می‌گوید که از بهار تا پائیز سال گذشته دهمزار مورد اعتصاب در صنایع و واحدهای تولیدی کشور روی داده است. این آمار نشان از وضعیت انفجاری در بین مردم است.

دولت رفسنجانی این وضعیت را می‌بیند و بهمین جهت از یکسو در مقابل اعتراضات مردم اکثر عقب نشینی میکند و از جهت دیگر با افزایش حقوق کارمندان و کارگران می‌خواهد جلو انفجار مردم را بگیرد. ولی اقدامات رفسنجانی چندان کارساز نیست و بهمین جهت حرکات اعتراضی روز بروز گسترده تر می‌شود.

حرکاتی که اخیراً مشاهده میشود بیانگر آنست که روحیه اعتراضی در بین مردم بالاست و طیف گسترده تری را در بر می‌گیرد. مردم چندان واهمه‌ای از سرکوب رژیم ندارند و رژیم هم از سرکوب همه جانبه خودداری می‌کند و در مواردی در مقابل خواست مردم عقب می‌نشیند. رژیم از تداوم و گسترش اعتراضات مردم وحشت دارد. گرچه میزان و کیفیت حرکت اعتراضی مردم از چنان ابعادی برخوردار نیست که اوضاع سیاسی کشور را رقم زند ولی باید در نظر داشت که ناراضی مردم همانند آتش زیر خاکستر است که هرکجا شرايط مساعد فراهم شود، شعله می‌گیرد.

نتیجه‌گیری‌ها
با توجه به آن چه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات قابل ملاحظه‌ای در اوضاع اخیر کشور، بیش همه در وضعیت حکومت و آرایش نیروها در درون آن بوده است. رفسنجانی که همچنان چهره مرکزی رژیم است و تحولات در حکومت با سستگیری‌ها و عملکردهای وی مرتبط است با عملکرد نیروها و مراکز متعدد قدرت و روبروست که به دولت او اجازه نمی‌دهد که برنامه‌هایش را پیش ببرد. تندروها با وجود ضرباتی که متحمل شده‌اند از موضع اپوزیسیون جناحی به دولت حمله می‌کنند. رسالتی‌ها به برخورد فعال و تهاجمی رو آورده‌اند. رفسنجانی نتوانسته است روشنگران جامعه و تکنوکرات‌ها را به حمایت فعال از خود وادار سازد. اما با اینکه امکانات و سیاست‌های رفسنجانی برای تسخیر آینده رژیم، از هر جریان و شخصیت دیگری در جمهوری اسلامی بیشتر است. در ماه‌های اخیر، موقعیت متناقض‌خامنه‌ای بیش از پیش عیان شد. او از یکسو با حضور فعال در صحنه سیاسی و اتخاذ برخی مواضع کوشید تا در موضع برتر و بالاتر از جناح‌ها قرار گیرد و در همین لحظه ائتلاف با رفسنجانی، تفاوت‌های خود با او و برنامه‌هایش را به نمایش بگذارد. اما از سوی دیگر به علت حدت تضادهای جناحین، او مجبور شد تا در مواردی چندان خود را درگیر اختلافات کند و در موضع رهبر جناحی برآمد کند. موقعیت متناقض‌خامنه‌ای از یکسو، نشان از تناقض‌های ناشی از بحران ساختاری حکومت است و از سوی دیگر تناقض بین شخصیت او و موقعیت وی است (در مقایسه با خمینی) تلاش‌های خامنه‌ای نتوانسته و نمی‌تواند است. سفته است خلا خمینی را پر کند. بنظر می‌رسد که ملاقات‌های اخیر از نمایندگان مجلس با منتظری رانه فقط در رابطه با بحران سیاسی بلکه در بحران رهبری و ساختاری رژیم هم باید دید. این ملاقات در حقیقت بشکلی نفی خامنه‌ای از جانب بخشی از طرفداران ائتلاف حاکم بود. بخشی از جناح تندرو از خامنه‌ای و از اتخاذ موضع بیطرفانه از جانب او در رابطه با انتخابات مجلس و مسائل جناحی ناامید شده‌اند و می‌خواهند پای منتظری را به میدان بکشانند. ائتلاف حاکم راه خروج از بن بست کنونی را در تضعیف جناح تندرو می‌بیند تا بتواند با گرفتن مجلس نیروی متمرکزی بوجود آورد و برنامه خود را پیش ببرد. ولی معلوم نیست با حذف تندروها ترکیب مجلس به نفع رفسنجانی خواهد بود یا رسالتی‌ها و قابل

پیش‌بینی است که در شرایط حذف تندروها، تضاد بین جناح رسالت و رفسنجانی آشکارتر شده و حدت خواهد یافت. آنچه روشن است این است که تضعیف تندروها به تمرکز بیشتر قدرت در نوک هرم حکومت منجر خواهد شد و زمینه را برای استبداد فردی فراهم ساخت. اگر چه، این امر لزوماً به معنی تشدید فشارهای اجتماعی در جامعه نیست.

با وجود این که رژیم اسلامی با بحران حادی روبروست ولی وضع اپوزیسیون بگونه‌ای نیست که بتواند از آن سود جوید و در صحنه سیاسی کشور نقش ایفا کند. هنوز مسائل سیاسی کشور را کشمکش‌های درون حکومت رقم می‌زند. بهمین خاطر شناخت گرایشها و تحولات در جامعه و درون حکومت حائز اهمیت است و نسبت به وضعیت جدید و گرایش‌های شکل گرفته باید موضع‌های ضروری اتخاذ کرد. از میان روندهای متعددی که در کشور جاری است گرایشی بالنده به تدریج سر بیرون آورده است. مدتی است که در صحنه سیاسی کشور مسئله آزادی بیان و مطبوعات به یک مسأله جدی و مبرم تبدیل شده است. در شکل‌گیری این گرایش تلاش پیگیر و خستگی‌ناپذیر نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته به رژیم، تحولات بین‌المللی، رشد گرایش آزادیخواهی در بین بخشی از جناح تندرو، انتشار نشریات متعدد در دو سال اخیر و تلاش بخشی از تکنوکرات‌ها موثر بوده است. این گرایش روز به روز نیروی بیشتری را جلب می‌کند. موج مبارزه با "تهاجم فرهنگی" همدت‌ها در مقابل این گرایش است و قصد سرکوب آن را دارد. این گرایش همسوز و همیونند با مبارزه نیروهای اپوزیسیون در راه دموکراسی است و لذا دارای اهمیت جدی برای آن دسته از نیروهای سیاسی است که برای دموکراسی پیکار میکنند.

گرایش دیگری در ماه‌های اخیر در بین بخشی از نیروهای حاکمیت شکل گرفته است که دارای اهمیت است. در مطبوعات که توسط تکنوکرات‌های وابسته به رژیم منتشر می‌شود هم چنین در سمینارهایی که توسط ارگان‌های رژیم برگزار میگردد مسأله "مدیریت علمی و مدیریت فقهی" مطرح گردیده است. این نیروها بر آنند که مدیریت فقهی یعنی اداره کشور توسط آخوندها میهن ما را به فقر و فلاکت کشانده است و باید مدیریت علمی جایگزین آن شود. آن‌ها در زمان در دهی کشور را در رابطه با مدیریت علمی جامعه می‌دانند.

جدایی اداره کشور از فقه هم توسط بخش اعظم نیروی اپوزیسیون و هم توسط نیروی متخصص همواره مطرح شده است. آنچه حائز اهمیت است طرح موضوع توسط نیروهایی از درون حکومت است. در سه سال اخیر موقعیت نیروهای تکنوکرات در سیستم اداره کشور تحکیم و نیروهای حزب الهی تضعیف شده است. در تحقیق بخش‌های مهمی از سیستم اداره کشور در دست تکنوکرات‌هاست، اگر چه امر مهم‌های اصلی در دست آخوندها قرار دارد.

در همین حال برای این نیروها مسأله آزادی بیان و مطبوعات مطرح است. بین گرایش به اداره علمی کشور و گرایش آزادیخواهانه پیوند نزدیک وجود دارد و این دو گرایش هم راستا و تقویت کننده یکدیگر هستند.

موقعیت نیروهای اپوزیسیون
اپوزیسیون هم چنان در وضع پراکنده بسر می‌برد و در روندهای درون کشور چندان تأثیر گذار نیست و فعالیت چشمگیری نیز در سطح بین‌المللی ندارد. در همین حال تلاش‌هایی برای نزدیکی در بین بخشی از نیروهای اپوزیسیون مشاهده می‌شود که نتایج مثبتی به بار آورده است. این روند تا حدی جنبش چپ و نیروهای ملی جریان دارد و هم بین آن دو.

گرچه روندهای جهانی از جمله فروپاشی اتحاد شوروی هم چنان تأثیرات منفی خود را بر جنبش چپ ایران بجا می‌گذارد ولی بنظر می‌رسد چپ ایران بتدریج از سردرگمی و گدجی بیرون می‌آید، موج طوفان راپشت سر می‌گذارد و جایگاه و هویت خود را در شرایط جدید تا حدودی روشن میکند. با این وجود روند گذشته شدن نیرو، گرچه کند شده، ولی هنوز متوقف نشده است.

در روند تحولات چند ساله اخیر دو گرایش بارز در بین نیروهای چپ شکل گرفته است: گرایش اول در برگیرنده آن نیروهای چپ است که از احزاب کمونیست سنتی فاصله گرفته و سیمای نوینی بخود گرفته‌اند و گرایش دوم شامل نیروهایی است که بدرجات مختلف هم چنان از مواضع پیشین جنبش کمونیستی حرکت میکنند و تحول اساسی در دیدگاه‌های آنها صورت نگرفته است. نیروهای هر دو گرایش به هم نزدیک شده و دو بلوک در جنبش چپ ایران در حال شکل گرفتن است. بلوک اول شامل سازمان‌ها، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و بخشی از نیروهای منفرد چپ است. همکاری این نیروها و از مدتها قبل جریان دارد. هنامری از این سازمان‌ها و هداه‌ازی از نیروهای منفرد چپ در بحث‌های یکسال اخیر توانسته‌اند به پلاتفرم مشترکی دست یابند.

در گرایش دوم از یکسو حزب توده ایران قرار دارد و از سوی دیگر راه کارگر، سازمان فدایی-ایران و بخشی از اقلیت، بین حزب توده ایران و سایر

نیروهای چپ همکاری وجود ندارد. راه کارگر، سازمان فدایی و شوروی‌های در جهت نزدیکی و همکاری و ایجاد بلوک حرکت میکنند و اعلامیه‌های مشترک می‌دهند. راه کارگر و سازمان فدایی می‌خواهند یکی شوند.

مدتهاست که برخوردهای خصمانه در درون نیروهای چپ فروکش کرده و جای خود را به همکاری داده است.

در بین نیروهای ملی و جمهوریخواه نیز روند نزدیکی جریان دارد. بین جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان سوسیالیست‌های ایران و جبهه ملی و بدرجاتی نهضت مقاومت ملی مذاکرات و همکاری ادامه دارد. بین نیروهای چپ دموکرات و جمهوریخواهان ملی مذاکره در سطح جبهه جمهوریخواهان در جریان است ولی هنوز بر سر همکاری موافقی وجود ندارد.

بخشی از نیروهای میانی اپوزیسیون در داخل کشور و مهم‌ترین آنها نهضت آزادی است که همچنان از امکان فعالیت قانونی محروم است. - سازمان مجاهدین که در جریان بحران خلیج در موقعیت نامساعد قرار گرفته و در حالت انزوا قرار داشت، بعد از شدت گرفتن مشاجرات بین صدام حسین و رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر فعالیت‌های خود را وسعت بخشیده است. این سازمان هم چنان بر مشی پیشین خود پای می‌نهد. مسأله جدیدی که در رابطه با مجاهدین مشاهده می‌شود، رشد ناراضی‌گری در بدنه این سازمان است.

رهبری مجاهدین برای سرپوش گذاشتن بر روند کنده شدن نیرو از این سازمان به فحاشی و تعدید دست یازیده است و برخورد با سایر نیروهای اپوزیسیون را خصمانه‌تر و کینه‌توزانه‌تر کرده است.

گرایش‌های موجود در بین سلطنت‌طلبان بارزتر شده است. گرایش تندرو در این مدت موفق شده است که نفوذ خود را در بین سلطنت‌طلبان از جمله در کیهان چاپ لندن گسترش بخشد. گرایش میانه‌رو هم چنان بر مشی خود مبنی با تأمین دموکراسی و تلاش برای همکاری و نزدیکی نیروها تکیه می‌کند. رضایطوی از این موضع حرکت میکند.

حزب دموکرات کردستان ایران تلاش میکند که با نیروهای ملی در کردستان یعنی کومله و حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) همکاری نزدیک داشته باشد. حزب شرط همکاری با کومله را مرزبندی آن با حزب کمونیست ایران قرار داده بود که ظاهراً اکنون برآورده شده است و با حزب دموکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) صر نظر کردن آن از اسم و عنوان کنونی آن است.

جغات سیاست های ما

مخالفت ما با رژیم جمهوری اسلامی، باید با اتخاذ سیاست مشخص و متفاوت نسبت به جریانات متشکله رژیم و همه جریان‌ها و نیروهای موجود همراه باشد و از اینرو:

۱- ما در کل باید در جهت تقویت گرایش‌های مثبت حرکت کنیم و نسبت به نیروهای آن موضع روشن داشته باشیم. مبارزه نویسندگان و هنرمندان غیر وابسته به رژیم مبارزه‌ای است و روشنگرانه، تجدد طلبانه و آزادیخواهانه علیه تاریخ اندیشی و استبداد مذهبی، لذا باید با تمام قوا از آن پشتیبانی به عمل آورد. تلاش‌های تکنوکرات‌ها در راه جدائی علم و اداره کشور از فقه و تأمین آزادی بیان و مطبوعات مورد تأکید و حمایت ماست.

۲- لازم است تحولاتی را که در بین آن دسته از نیروی جناح تندرو که مسأله آزادی بیان و مطبوعات و مرجعیت مردم را مطرح می‌سازند، جریان دارد بدقت تعقیب کرده و مورد توجه قرار دهیم و فشارهایی را که از جانب ائتلاف حاکم به آنها وارد می‌شود محکوم کنیم. ما از یکسو اقدامات معین آنها را در راه تأمین آزادی مثبت ارزیابی می‌کنیم و از سوی دیگر سیاست‌ها و گرایش‌های عقب مانده و کور آنها را افشاء می‌کنیم. این سیاست به منزله پشتیبانی از این جریان نیست و نباید باشد. گذشته این جریان جزو گذشته ننگین جمهوری اسلامی است و این گرایش سیر تکوینی را طی می‌کند. به علاوه جایگاه و آینده آن هنوز روشن نیست. در همین حال ما باید نیروی حزب الهی و قشری این جناح را در تمام وجوه افشاء کنیم.

۳- رفسنجانی سکاندار رژیم جمهوری اسلامی است و در راس قوه اجرایی کشور قرار دارد. در مجموعه سیاست‌هایی که توسط رژیم جمهوری اسلامی پیش می‌رود او بیش از همه نقش و مسئولیت دارد. تضاد و اتخاذ سیاست نسبت به جمهوری اسلامی نمیتواند از تضاد و اتخاذ سیاست نسبت به او منفک باشد. ما باید از یکسو سیاست‌های سرکوبگرانه و نقض حقوق بشر دولت رفسنجانی را افشاء کنیم و از سوی دیگر نشان دهیم که مجموعه سیاست‌هایی که او در ائتلاف با رسالتی‌ها و فقه سنتی و بازاری‌ها می‌خواهد پیش ببرد به هیچوجه پاسخگوی مسائل جامعه ما نیست و سیاستی است سترون و ناکار.

با خامنه‌ای که وظیفه اصلی خود را حفظ حاکمیت اسلامی می‌داند، برخورد ما تابعی است از مخالفت ما با ابقا چنین حاکمیتی. تضعیف موقعیت او، تضعیف فزاینده حاکمیت فقه و ولایت امر است.

۴- جناح رسالت، چنانکه گفته شد، قشری ترین و محافظه‌کارترین نیروی سنتی مذهبی را نمایندگی می‌کند و از سرکوب، فرهنگ و اسپگرا و از فارنگری بی‌قید و بندتجار بازار حمایت می‌کند. این جناح ارتجاعی‌ترین نیروی رژیم است که می‌خواهد در تمام زمینه‌ها فقه سنتی را پیاده کند. باید با این جناح تماماً و در تمام عرصه‌ها مبارزه کرد و ماهیت ارتجاعی، سرکوبگر و اسپگرایانه آن را افشاء کرد.

در یک جمع بست فشرده، سیاست‌های جاری ما با تکیه بر ارزش‌های فکری و نیز در خدمت تحقق استراتژی ما که همانا تغییر توازن قوا در کشور به سود نیروی دموکراسی و آزادی، رشد و ترقی و تجدد، و تأمین شرایط برای ایجاد و گسترش عدالت اجتماعی و مالا برای پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی است، حاکمیتی که در همه عرصه‌های فوق آزمون خود را پس داده و همچنان نشان می‌دهد که فاقد ظرفیت برای عملکرد ترقیخواهانه و آزادیخواهانه است، عبارتست از:

۱- حمایت از مبارزات و مطالبات روزمره مردم و کمک به ارتقای سطح این مبارزات در جهت بهبود وضع معیشتی و مقابله آنها با فشارهای فزاینده اقتصادی و اجتماعی که مسبب اصلی آنها حکومت و فشار تکران تحت الحمایه حکومت است؛

۲- اشاعه اندیشه‌های آزادیخواهانه و حمایت از هر حرکت در جهت آزادی و دموکراسی چه در سطح جامعه و چه حتی در درون و جنب حکومت در برابر استبداد حکومتی، و ایجاد همگرایی، پیوستگی و یگانگی بین نیروها و گرایش‌های آزادیخواه؛

۳- تقویت اندیشه‌های اداره علمی کشور، رواج تفکر علمی و اتکا بر هرف و حقوق بجای سلطه فقه و احکام دینی بر شئون امر حکومت؛

۴- تشدید کارزار فرهنگی و تقویت جنبش فرهنگی در کشور و خارج، و از این طریق گسترش روحیه و منش آزاد اندیشی و ایجاد فرهنگ دموکراسی در جامعه ایرانی و فضای دموکراتیک در میان نیروها و گرایش‌های متنوع الفکر کشور؛

۵- سیاست‌های جاری ما متوجه تغییرات در وضع فعلی کشور برای تأمین تغییر در آینده است، بگونه‌ای که: به نیروی مردم آگاه و با اتکا بر بسیج نیروهای آزادی و ترقی، رژیم به عقب نشینی‌های هر چه بیشتری وادار شود. برز زمینه ناکامی‌های رژیم در تحمیل روش و منش و اندیشه‌های ارتجاعی و خرافی و مستبدانه بر جامعه از هر امکان و نیروی تغییر و تحول مثبت بهره گرفته شود؛ با تکیه بر نقاط ضعف رژیم و نیز حمایت گسترده جهانی، رعایت موازین اولیه حقوق بشر از سوی حکومتگران و از جمله عقب نشاندن آن در زمینه امر بازگشت ایرانیان مهاجر به میهنشان تحقق پذیرد؛ با تحرک اپوزیسیون آزادیخواه رژیم که بر لزوم حاکمیت مردم از طریق انتخابات آزاد و رعایت همه ملزومات چنین انتخابی تأکید دارند امر اتحاد عمل‌ها و نزدیکی‌ها به منظور رسیدن به یک ائتلاف نیرومند و امیدآفرین در برابر رژیم پدید آید؛ و بالاخره تشدید فعالیت مشترک در سطح بین‌المللی برای افشای عملکرد مستبدانه رژیم و از این طریق اعمال فشار بر آن صورت گیرد. در یک کلام، تمرکز قوا حول مبارزه در راه آزادی‌های سیاسی، دموکراسی و تأمین حقوق بشر مشخصه اصلی خط مشی جاری سازمان ماست. در تنظیم مناسبات با نیروهای اپوزیسیون، مضمون تلاش در راه همگرایی، همکاری و شکل‌گیری نیروهای چپ دموکرات، و کوشش در راه نزدیکی و اتحاد نیروهای دموکرات در راستای تشکیل جبهه‌ای از جمهوریخواهان آزادیخواه، در شرایط کنونی بر اتحاد عمل‌های متنوع و گسترده حول مبارزه برای خواستهای دموکراتیک و آزادیخواهانه تأکید داریم.

سازمان ما برای تحقق این امر ضروری، از انواع ابتکارات در مضمون و تنوع در شکل اتحادها استقبال میکند و می‌کوشد در این عرصه مبتکرانه عمل کند.

شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

چهاردهم فروردین ماه ۱۳۷۱



اپوزیسیون و مقابله با رژیم

نامه جمعی از فعالین سازمان در سوئد به شورای مرکزی سازمان

در پی جنایت تکاندنده برلین، تمامی سازمان‌ها، جریان‌ها و افراد سرشناس اپوزیسیون از خود واکنش نشان دادند و با محکوم کردن رژیم اسلامی بخاطر این جنایت، بر ضرورت مقابله با اعمال تروریستی آن تکیه کردند. در شماره گذشته نشریه کار به برخی از موضع‌گیری‌های نیروها و افراد اپوزیسیون در این رابطه اشاره شد و اینک در ادامه به آنچه که تاکنون بدست ما رسیده است، می‌پردازیم.

اقدامات مشترک
"کمیته موقت تدارک شهر برلین"

در پی نشست گروهی از نمایندگان چندسازمان سیاسی و عده‌ای از منفردین سیاسی در برلین، "کمیته موقت تدارک شهر برلین" شکل گرفت که در اولین اعلامیه آن آمده است: "متأسفانه اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور تاکنون واکنش لازم و کارسازی در رابطه با این تروریسم دولتی از خود نشان نداده است. با توجه به این که بود در فعالیت اپوزیسیون، ما از ادیوخواهان ایرانی نخست با تشکیل کمیته تدارک موقت در صدد ایجاد کمیته‌ای در سطح شهر برلین هستیم. همچنین لزوم ایجاد کمیته‌های شهری در سطح اروپا و آمریکا را خاطر نشان می‌سازیم تا این کمیته‌ها از طریق تماس با یکدیگر مبارزه افشاگرانه خود را هماهنگ کرده و از ورای کمیته‌های کشوری در کمیته بین‌المللی حمایت از افراد اپوزیسیون ایرانی متحد شوند. همچنین لازم است در کنار دستیابی به مدل کمیته بین‌المللی حمایت از جان افراد اپوزیسیون ایرانی، اقدام به تشکیل کمیته‌های حامی با شرکت چهره‌های مترقی و سرشناس خارجی نماییم.

ما نگران ترور بزرگ و وسیع جمهوری اسلامی علیه مردم ایران هستیم و مجامع بین‌المللی و دولت‌های طرفدار حقوق بشر را به حمایت از مردم ایران و اعمال فشار بر رژیم جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق بشر فرا می‌خوانیم.

اکسیون اعتراضی در فرانکفورت و احدهای فرانکفورت حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان فدائیان خلق ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران ضمن اطلاعیه‌ای تروریسم رژیم را محکوم کرده و با حمایت از اقدام "هیات برگزاری اکسیون اعتراضی علیه رژیم" همه نیروها را به شرکت در تظاهرات اعلام شده توسط این هیات در تاریخ ۲۶ سپتامبر فرا خواند. در این اطلاعیه آمده است:

جنایات رژیم فراخوانده است. در این اطلاعیه آمده است: "خطر جدی است و قطعاً شمارش معکوس برای ترور بعدی از هم اکنون آغاز شده است. حرکت اعتراضی امروز ما تلاشی است در جهت آگاهی افکار عمومی و نجات جان قربانیانی که در لیست ترور تروریست‌های رژیم قرار دارند.

اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها
اطلاعیه نهضت مقاومت ملی ایران

هیات رئیسه شورای عالی و هیات اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران ضمن پیام تسلیت به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران ضمن محکوم کردن رژیم اسلامی تلاش‌های دکتر صادق شرفکنندگی را در راه ایجاد فضای تفاهم بین نیروهای ملی و دمکرات ارج گذارده و بر نتایج سودمند آخرین ملاقات نمایندگان این سازمان و دکتر شرفکنندی تاکید نموده است. این سازمان در اطلاعیه مطبوعاتی خود نیروها را به اعتراض علیه رژیم اسلامی و اعتراض به سکوت دولتمردان اروپا در قبال تروریسم رژیم فراخواند.

اطلاعیه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران با صدور اطلاعیه‌ای، رژیم جمهوری اسلامی را محکوم جنایت اخیر معرفی کرده و ضمن محکوم کردن رژیم از همه نیروهای مترقی، آزادیخواه و تحول طلب کشورمان دعوت نموده است تا برای دموکراسی، آزادی و استقلال ایران در کنار هم گرد آیند. در این اطلاعیه گفته می‌شود که: "تا هنگامی که ما نتوانیم در کنار هم امر مهم مبارزه در کشورمان را به پیش ببریم، باید انتظار انواع جنایات از جانب رژیم جمهوری اسلامی را داشت."

اعلامیه جمهوریخواهان ملی ایران
شورای مرکزی جمهوریخواهان ملی ایران در اطلاعیه‌ای سازمان‌های سیاسی آزادیخواه را به اقدامات مشترک برای پایان دادن به تروریسم جمهوری اسلامی فرا خوانده تا زیر فشار افکار عمومی دولت‌های غربی به مقابله جدی با این تروریسم در اروپا پرداخته و پایان سرکوب و ترور مخالفین را شرط هادی‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی خود با دولت ایران قرار دهند.

آنچه که در زیر می‌آید نامه جمعی از فعالین سازمان در سوئد است که خطاب به شورای مرکزی سازمان نوشته شده است. رفتاری ارسال کننده این نامه از نشریه کار درخواست کرده‌اند تا نامه تنظیمی‌شان در نشریه کار منعکس شود. متن نامه، چنین است:

به شورای مرکزی سازمان امر بازگشت افراد و احزاب سیاسی مهاجر در چهارچوب امر تأمین دموکراسی در کشور، یکی از مهمترین خواستهای مردم آگاه ایران است. لازم است که سازمان ما در مورد این مسئله مهم، سیاست روشن و پیگیری داشته باشد و به سمخ خویش مردم را در مبارزه برای تأمین شرایط بازگشت افراد و احزاب سیاسی مهاجر، بیش از پیش یاری رساند. پیشنهاداتی که در این نوشته به شورای مرکزی سازمان ارائه می‌گردد، بمنظور تقویت سیاست سازمان در جهت اهداف فوق است.

۱- بحثهایی که این روزها در نشریه ما و برخی دیگر از نشریات جریان دارد، در بسیاری موارد نسبت به امکان بازگشت و شکل آن توهم و گمراهی ایجاد می‌کند و برعکس بدون حساسیت لازم و از موضع یا همه چیز یا هیچ چیز، به سیاست‌گذاری در این زمینه می‌پردازند. شکاف مصنوعی بسیار خطرناکی که بر سر چگونگی برخورد با بازگشت میان خوانندگان "کار" دامن زده میشود، میتواند چنان افراط‌هایی را در هر سو برانگیزد که واقعیتی و حقیقت در این میان قربانی شود. نویسندگان "کار" ضمن اینکه سخاوتمندانه یکدیگر را بسوی قطبهای متضاد عقب می‌رانند، بدون دلیل کافی و بدون توجه به پیامدهای آن، اختلاف‌های نظری خود را به کل سازمان تعمیم میدهند. در این بحث‌ها نه حساسیت موضوع بطور کافی در نظر گرفته میشود و نه وضعیت سازمان.

کسانیکه امروز در این سازمان و جنبش باقی مانده‌اند، بخاطر مسائلی بسیار خطرناک‌تر از تاکتیک‌های مورد بحث نشریات روز گردهم هستند. عدم کوشش ضرور برای نزدیک کردن نگرشهای سیاسی - تاکتیکی این افراد و یا برعکس آن عمل کردن، به هیچ وجه قابل توجه نمی‌باشد. باتوجه به این مسائل و نظر به زیانهای شدید صرف آری متضاد بر

سر مسئله بازگشت در میان مهاجرین و بهره‌بردارهای رژیم بزیان جنبش و زیان افراد، شورای مرکزی سازمان ما می‌بایست سیاستی متین‌تر و بدور از هیاهوی تبلیغاتی را در نشریه "کار" پیش‌ببرد.

۲- سیاست ما باید در دو سمت تأثیر بگذارد:

الف) هر امکان، هر چند کوچک را برای بازگشت مهاجرین سیاسی و غیرسیاسی و برای بازگشت احزاب، تقویت کند. چه این امکان یک گرایش در درون حکومت باشد و چه یک حرکت یا حمایت از سوی محافل بین‌المللی مانند سازمان ملل و...

ب) از پیدایش توهم در میان مهاجرین نسبت به بهبود غیرواقعی اوضاع جلوگیری کرده و مانع از آن گردد که هافیت طلبی و فرصت طلبی بقایت خطرناک برای تسلیم شدن به رژیم رونق بگیرد، و نیز سیاست ما باید چنان باشد که زمینه سوءاستفاده رژیم و بهره‌گیری آن در سطح ملی و بین‌المللی هموار نگردد.

۳- ما فکر میکنیم در زمینه بازگشت نکات زیر باید در سیاست سازمان رعایت شود:

الف) ما خواهان بازگشت داوطلبانه همه هم‌میهنان به کشور هستیم و از همه آنها می‌خواهیم تا بکشوند به کشور خود بازگردند.

ب) ما بازگشت مهاجرین سیاسی را یک امر خودویژه میدانیم، که باید تأکید اساسی بر آن صورت گیرد.

ج) بازگشت یک پروسه است و از ساده‌ترین شکل آن یعنی، تأمین امکان بازگشت فردی مهاجر سیاسی، تا تأمین امکان برای بازگشت آزادانه احزاب سیاسی وسعت دارد. ما باید ضمن متمرکز کردن کوشش خود برای حفظ هویت سیاسی اشخاص و احزاب، مخالفت اکید خود را بر تسلیم طلبی در صفوف مهاجرین سیاسی اعلام نمائیم و از هر امکان، هر چند کوچک، برای تسهیل امر بازگشت در هر سطحی که باشد بهره بگیریم. در همین حال روشن است که تأمین شرایط واقعی بازگشت را به دیگری مشروط کرده و از این طریق مانع پیشرفت کار شویم. در این حال روشن است که تأمین شرایط واقعی بازگشت مهاجرین سیاسی، معنای دیگری جز تأمین آزادی احزاب در داخل کشور ندارد.

د) شورای مرکزی سازمان میتواند، در چهارچوب مصوبه کنگره، از مذاکره بعنوان یکی از مهمترین راههای پیشبرد سیاست خود بهره بگیرد. برای ما باید این امر بسیار روشن باشد که تن دادن رژیم به مذاکره با احزاب و محافل سیاسی مهاجر، یک گام مهم در راستای تأمین شرایط سیاسی بهتر است. برای ما باید روشن باشد که این ما هستیم و نه رژیم که بیش از او و پیش از او، خواهان تحقق چنین امکانی هستیم. بسیار واضح است که ما از رژیم نمی‌خواهیم که برای حل مسائل موجود به جنگ با نیروهای سیاسی مخالف بپردازد، بلکه ما می‌خواهیم که رژیم، با این نیروها مذاکره کند. بنابراین هرگونه انجام در این باره که گویا سازمان ما مذاکره را نمی‌پذیرد، به همان اندازه مخرب است که ایجاد توهم در این زمینه که گویا رژیم آماده مذاکره است.

خواست ما این است که شورای مرکزی سازمان با این مسائل سیاسی بسیار جدی، برخوردی شایسته داشته باشد.

۴- برای جلوگیری از توهم، شورای مرکزی موظف است که در چهارچوب سیاست و سنگتگیری کنگره، مواضع سازمان را در این زمینه، و یاد هر زمینه حادثی در روشن کند.

۵- نشریه "کار" موازات انعکاس نظرات مدون افراد و شورای مرکزی، ضروریست که با ارائه اطلاعات به خوانندگان خود، کمک کند تا آنها دید عینی‌تری نسبت به مسئله پیدا کنند و بتوانند مستقلاً در این باره نظر بدهند.

۶- بسیار درست بود که بجای مسئله بازگشت، بحثا پیرامون اصول و اساس خطمشی سیاسی مصوب کنگره سازمان پیش‌برود و در ضمن آن مسئله فوق نیز بررسی گردد. اکنون که این روند پیش‌رفته بهتر است که برای تمهیز سازمان، بحث جاری، به بحث پیرامون مسائل بنیادی سیاست سازمان گره بخورد. این عمل کمک میکند تا هنگام برگزاری کنگره سوم با دست پر گردهم آئیم.

با تشکر از زحمات رفقای شورای مرکزی و هیئت تحریریه کار جمعی از فعالین سازمان در سوئد

اگوست ۱۹۹۲

در این نشست گروهی از نمایندگان چندسازمان سیاسی و عده‌ای از منفردین سیاسی در برلین، "کمیته موقت تدارک شهر برلین" شکل گرفت که در اولین اعلامیه آن آمده است: "متأسفانه اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور تاکنون واکنش لازم و کارسازی در رابطه با این تروریسم دولتی از خود نشان نداده است. با توجه به این که بود در فعالیت اپوزیسیون، ما از ادیوخواهان ایرانی نخست با تشکیل کمیته تدارک موقت در صدد ایجاد کمیته‌ای در سطح شهر برلین هستیم. همچنین لزوم ایجاد کمیته‌های شهری در سطح اروپا و آمریکا را خاطر نشان می‌سازیم تا این کمیته‌ها از طریق تماس با یکدیگر مبارزه افشاگرانه خود را هماهنگ کرده و از ورای کمیته‌های کشوری در کمیته بین‌المللی حمایت از افراد اپوزیسیون ایرانی متحد شوند. همچنین لازم است در کنار دستیابی به مدل کمیته بین‌المللی حمایت از جان افراد اپوزیسیون ایرانی، اقدام به تشکیل کمیته‌های حامی با شرکت چهره‌های مترقی و سرشناس خارجی نماییم.

ما حضور انبوه خود به دولت آلمان نشان دهیم که ما مصرا نه خواهیم پیگیری و کشف شبکه ترور رژیم در آلمان بوده دولت آلمان را مسئول تأمین جانی اپوزیسیون ایرانی در آلمان می‌دانیم.

پیام مشترک به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان در اتریش

واحدهای اتریش نهضت مقاومت ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جمهوریخواهان ملی ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران و جمعی از ایرانیان مقیم اتریش پیام مشترکی به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران دادند که در آن آمده است: "ما ضمن اعلام انزجار عمیق خود از سیاست تروریسم دولتی و محکوم کردن این قتل ناخواسته، بار دیگر از مبارزه بحق حزب دمکرات کردستان ایران پشتیبانی نموده و مراتب همبستگی و همدردی عمیق خود را با حزب دمکرات کردستان ایران اعلام می‌داریم."

جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک
در اطلاعیه‌ای از سوی این جمعیت که از مدتی پیش به همت گروهی جمهوریخواهان شکل گرفته و در راه نزدیکی نیروهای جمهوریخواه مدافع دموکراسی کوشش می‌کند، با انتقاد از جو بی‌تفاوتی در اپوزیسیون نسبت به ترورهای رژیم، آمده است:

نباید و نمی‌توان تن به چنین جوی داد. باید که مخالفت خود را علیه حکومت با بانگی رسا بگوش جهانیان برسانیم. باید که اپوزیسیون ایران در برابر وحشیگری‌های جمهوری اسلامی عکس‌العمل مناسب نشان دهد؟

تظاهرات اعتراضی در کلن جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران در کلن که توسط جمعی از هموطنان آزادیخواه شکل گرفته است، ضمن صدور اطلاعیه‌ای، نیروهای آزادیخواه ایرانی را به شرکت در تظاهرات اعتراضی علیه

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن رژیم اسلامی - عدم قاطعیت کشورهای اروپایی در قبال ترورهای انجام شده و اعمال رژیم را مورد انتقاد قرار داده است. در این اطلاعیه از شورای امنیت ملل متحد خواسته شده با بایکوت نفتی و تسلیحاتی رژیم اقدام قاطع بین‌المللی مبادرت ورزد.

در این اطلاعیه همچنین مواضع حزب دمکرات کردستان ایران مورد انتقاد قرار گرفته و بخاطر انتقاد رادیو حزب از سازمان مجاهدین با حملات تند مواجه شده است.

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

اطلاعیه‌ای که از سوی واحدهای دانمارک حزب دمکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تهیه شده بود در این راهپیمایی بین شرکت کنندگان توزیع شد، آمده است:

ما همه نیروهای اپوزیسیون را فرامی‌خوانیم تا با هماهنگی به مقابله با این سیاست برخیزند.

ما از هجوم دولت‌ها بویژه آلمان می‌خواهیم که در مناسبات خود با جمهوری اسلامی، وضع حقوق بشر در ایران و واقعیت تروریسم دولتی رژیم را مدنظر گیرند.

ما خواهان انتشار اطلاعات مربوط به ترورهای رژیم اسلامی توسط دولت آلمان هستیم.

اطلاعیه‌ای که از سوی واحدهای دانمارک حزب دمکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تهیه شده بود در این راهپیمایی بین شرکت کنندگان توزیع شد، آمده است:

ما همه نیروهای اپوزیسیون را فرامی‌خوانیم تا با هماهنگی به مقابله با این سیاست برخیزند.

ما از هجوم دولت‌ها بویژه آلمان می‌خواهیم که در مناسبات خود با جمهوری اسلامی، وضع حقوق بشر در ایران و واقعیت تروریسم دولتی رژیم را مدنظر گیرند.

ما خواهان انتشار اطلاعات مربوط به ترورهای رژیم اسلامی توسط دولت آلمان هستیم.

اطلاعیه‌ای که از سوی واحدهای دانمارک حزب دمکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تهیه شده بود در این راهپیمایی بین شرکت کنندگان توزیع شد، آمده است:

ما همه نیروهای اپوزیسیون را فرامی‌خوانیم تا با هماهنگی به مقابله با این سیاست برخیزند.

ما از هجوم دولت‌ها بویژه آلمان می‌خواهیم که در مناسبات خود با جمهوری اسلامی، وضع حقوق بشر در ایران و واقعیت تروریسم دولتی رژیم را مدنظر گیرند.

ما خواهان انتشار اطلاعات مربوط به ترورهای رژیم اسلامی توسط دولت آلمان هستیم.

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

توضیح مختصر اناچار ساخته است. شعر چاپ شده از آنجایی که فاند تاریخ سرایش و ذکر ماخذ است و حتی زیر عنوان "شعر معاصر ایران انعکاس نیافته است، احتمال می‌رود استنباط‌هایی را دامن زند که مورد علاقه من نیست.

برای خوانندگان آن نشریه تصریح می‌دارد: این شعر در سال ۵۱ سروده شد و در همان تاریخ در "جنگ سحر" به چاپ رسیده است. ناگفته پیداست چاپ هر شعر بیس از سرایش آن از تزلزل هنرمند بیرون می‌افتد اما باز چاپ آن دارای موازینی است که پاره‌ای اوقات اگر در نظر گرفته

خبرها و نظرها

بیانیه اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران

از سوی "اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران" بیانیه‌ای در شهریور ماه انتشار یافت که حاوی گزارش نشست این جمع "در باره وضع حزب و رویدادهای مهم ایران و جهان طی روزهای ۳۱ مرداد و اول شهریور سال جاری بود."

"بیانیه" با ذکر اینکه:

"نشست اعضای کمیته مرکزی با توجه به حدت بحران تشکیلاتی در حزب، بحث و بررسی پیرامون این مسئله را که ارتباط تنگاتنگ با تداوم حیات حزب دارد در دستور مقدم کار خود قرار داد."

توضیح میدهد که "حقیقت این است که اجلاس مورخ بهمن ماه ۱۳۷۰، موسوم به "کنگره سوم" با نقض بدیهی‌ترین موازین دموکراتیک و با عدول آشکار از اساسنامه حزب (بندهای ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۵) و مصوبات پلنوم تروریدین ماه ۶۹ کمیته مرکزی برگزار شده است."

"بیانیه" در ادامه می‌گوید: "پنج عضو از یازده عضو هیئت اجرایی، کمیته‌ای خودگمارده به نام "کمیته تدارک کنگره" را جایگزین ارگانهای رهبری قانونی حزب کرده بودند. بخش غالب شرکت کنندگان در جلسه نه منتخب اعضای حزب بلکه منتصب "کمیته تدارک" بودند. چهل و چند نفری که در جلسه مزبور شرکت داشته‌اند از ۱۸۷ رأی ("نامه مردم" ۳۶۹) برخوردار بوده‌اند و تنها صدر هیئت اجرایی با ادعای داشتن بیش از یکصد رأی و کالتی (بطور عمده از سوی نرته دمکرات آذربایجان) در جلسه حضور یافته است."

در ادامه همین موضوع، "بیانیه" با اشاره به اینکه در "کنگره سوم حزب"، کمتر از یک هفتم اعضای کمیته مرکزی حضور داشته‌اند، می‌گوید:

"سازمان دهندگان جلسه با ممانعت از طرح و انتشار کار پایه‌های مختلف در سطح حزب و از تصویب گذاردن به اتفاق آراء، کار پایه مورد نظر خود، آن هم بدون انجام بحث اقلیتی و دموکراتیک در این زمینه، به یک دست کردن ظاهری تشکیلات حزب بر این اساس پرداخته‌اند."

"به اعتقاد شرکت کنندگان در نشست کمیته مرکزی، چنین گردهمایی نه تنها از مشروعیت یک کنگره دموکراتیک بی بهره است، بلکه به لحاظ مغایرت آن با موازین سازمانی غیر قانونی و از جنبه سیاسی دارای خلصت انشعابگرانه ارزیابی می‌شود."

با توجه به آنچه که بیان شد تدارک دموکراتیک کنگره سوم که شرط موفقیت آن بویژه پاسخگویی به ضرورتها و نیازهای گسترش فعالیت حزب در داخل کشور خواهد بود، در دستور کار آینده حزب باقی می‌ماند."

"بیانیه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران" آنگاه به اعلام مواضع پیرامون چگونگی مناسبات درون حزبی پرداخته و می‌گوید: "اجلاس بر آن است که وجود تنوع نظر در چارچوب اهداف عام دموکراتیک و ترقیخواهانه حزب نه تنها جایز بلکه حیاتی است. تنها گرایش که نمی‌توان با آن مزبستی کرد حذف سرکوبگرانه نظرات و دیدگاهها و صاحبان آنهاست. تجارب تلخ گذشته به ما می‌آموزد که دیگر نمی‌توان و نباید مناسبات درونی احزاب و سازمانهای سیاسی را امری صرفا داخلی و مربوط به خود آنها دانست. این مناسبات رابطه مستقیم با مبارزه این سازمانها بخاطر استقرار دموکراسی در جامعه دارد."

"بیانیه" سپس به لزوم "تأمین وحدت حزب" و حضور آن در "جمع" اپوزیسیون آزادیخواه کشور، اشاره کرده و می‌گوید:

"به اعتقاد شرکت کنندگان در نشست، در چارچوب اصولی که ذکر شد می‌توان و باید در راه تأمین وحدت حزب تلاش همه جانبه کرد. اجلاس، همه اعضای حزب را به این کوشش فرا می‌خواند."

اجلاس اعضای کمیته مرکزی با تأکید بر ضرورت نزدیکی و اتحاد عمل همه نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه کشور برای استقرار دموکراسی در ایران، لزوم حضور هر چه فعالیت حزب در جمع اپوزیسیون آزادیخواه کشور را خاطر نشان ساخت و نوسازی حزب را گامی مؤثر در این راستا ارزیابی کرد."

"بیانیه" آنگاه از مباحثات سیاسی اجلاس چنین گزارش میدهد: "شرکت کنندگان نسبت به پیامدهای خطرناک اوضاع در منطقه از یکسو، و نقض حقوق بشر و اعمال استبداد مطلق بر کشور توسط رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر که بویژه در این شرایط حساس می‌تواند ضرباتی جبران ناپذیر به مصالح و منافع ملی میهن ما وارد کند، هشدار دادند."

در این "بیانیه" همچنین به ارزیابی نشست از "موقعیت اپوزیسیون آزادیخواه کشور" اشاره شده و در آن گفته میشود: "نشست با توجه به اوضاع حاد سیاسی - اجتماعی ایران به ارزیابی از موقعیت اپوزیسیون آزادیخواه کشور بویژه نیروهای چپ پرداخت و بر ضرورت جستجوی راههای تازه برای آمادگی و اتحاد عمل هر چه بیشتر اپوزیسیون جهت ادامه مبارزه‌های سنجیده و مؤثر در راه استقرار دموکراسی در ایران تأکید کرد."

"بیانیه" در آخر به بحث اجلاس پیرامون "بحران عمومی جنبش چپ در جهان" اشاره کرده است.

آقای بنی صدر؛ پرسش و پاسخ

نشریه انقلاب اسلامی متن پرسش و پاسخ آقای ابوالحسن بنی صدر در خانه فرهنگ ملت مادر برلین را درج نموده است. در این پرسش و پاسخ آقای ابوالحسن بنی صدر کوشیده است به برخی سئوالات که در مورد نظرات وی در گذشته همواره مطرح بوده است، پاسخ دهد.

وی در پاسخ به این سؤال که وی مخالف شوراهای کاری بوده و جمله "شورا مورامالیده" را بیان کرده است گفت که اصولاً روز شورا را در ایران وی اعلام کرده و هیچ مخالفتی با شوراهای کاری نداشته است و این جمله در دیدار از شعر صنعتی قزوین و در رابطه با شوراهای آنجا مطرح گردیده بود. در آن زمان شوراها در این شهر بدست حزب جمهوری و پاسداران افتاده بود و آنها طرح میکردند که انقلاب در خطر است و اگر آنها قائل شوند چپها کارخانه را میبرند، ولی در مقابل، وی از آنها پرسیده است که شما نمایندگان کارگران هستید یا قیم آنها، شما بعنوان شورا قیم کارگران شده‌اید و شورا بی شورا.

در پاسخ به این سؤال که بنی صدر مطرح کرده است که موی زن اشمه دارد، او مطرح کرده که این دروغ باره‌بانام نظر وی طرح گردیده است. او با بیان این مطلب در پاسخ به یک خانم سؤال کننده اضافه کرد که حتی در چهارچوب خانواده باید سانسورهای جنسی بر داشته شود. وی کسانی که این دروغ را باور کرده‌اند مورد انتقاد قرار داد و گفت که آیا ممکن است کسی زن را شیئی جنسی نداند و این دروغ را باور کند.

وی در رابطه با نقش خود در بستن دانشگاهها می‌گوید که بستن دانشگاهها توسط هیئت بود توسط آقای حسن آیت هوشورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی با هدف از میان برداشتن بنی صدر، حال آنکه وی تلاش می‌نمود تا مانع از اجرای این تصمیم گردد.

در پاسخ به این سؤال که بنی صدر طرح کرده است که چکمه‌هایتان را در نیابرد تمام ساله کردستان تمام شود وی گفت مسئولیت این امر با کسانی

بود که در کردستان جنگ بر راه انداختند. در آن زمان ما مشغول گفتگو برای اعلام خودمختاری کردستان بودیم که مساله سندج پیش آمد. حزب دمکرات و آقای قاسملو در پاسخ به سؤال ما که می‌گفتیم شما با ما مذاکره می‌کنید در سندج جنگ بر راه می‌اندازید مسئولیت حوادث و جنگ سندج را با کوموله دانسته و اعلام کرده بود که با این جنگ مخالف بوده است. وی همچنین مطرح کرد زمانی که خمینی حاضر نشد در سال ۵۹ به نیروهای کرد بطور واقعی تأمین بدهد به کوموله و حزب دموکرات پیام داد که اسلحه را زمین نگذارید.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا تابحال دو بار با نیروهای معتقد به تک محوری ائتلاف و همکاری نموده است مطرح نمود این نیروها دو دسته‌اند یکی خمینی و گزانشا و دیگری رجوی و گزایشا و.

آقای خمینی در پاریس گفت ولایت با جمهور مردم است. وی عمده در برابر دنیا با ملتی که در حال انقلاب بود بسته بود و این هم در شکست پس اگر خطائی مرتکب شده او شده است. اما راجع به آقای رجوی، من به طرف ایشان نرفتم، خود ایشان نوشته است که در مخفیگاه آنها به طرف من آمدند. من پنج سوال کردم و گفتم به اینجا جواب کتبی بدهید راجع به آزادی، استقلال، عدم هژمونی، روش مبارزه و اخلاق. جوابی که آنها دادند این بود که ما در عقاید سابقمان بکلی تجدید نظر کرده‌ایم. آقای رجوی می‌گفت وقتی که ایران آزاد شد ما جز یک محل فعالیت‌های حزبی و یک تابلو چیز دیگری نمی‌خواهیم.

وی به این سؤال که چه هدفهایی بدنبال اتحاد سیاست و دین هست، چنین پاسخ داد: "نظر را از عمل نمی‌شود جدا کرد. ممکن نیست شما عملی انجام دهید و طرز باور شما در آن نباشد. اما دین و سیاست یک معنای دوم هم دارند و آن بنیاد دین و بنیاد سیاست است. برای مثال بنیاد سیاسی، دولت و بنیاد دین، کلیسا و روحانیت است. اگر مراد شما جدایی ایندوست قطعاً مطلوب است."

تشنج میان گرجستان و روسیه

ادامه از صفحه ۱۱

بدنبال شکست‌های اخیر گرجستان، شوارنادزه رئیس جمهور این کشور گفت که در صورت لزوم برای درهم شکستن شورش آبخاز چهل هزار نفر بسیج خواهد کرد. شوارنادزه می‌گوید نیروهای شبه نظامی روس از آبخازها حمایت می‌کنند.

باریس یلتسین روز ۶ اکتبر اعلام کرد دولت روسیه کنترل راه آهن آبخاز را در دست خواهد گرفت، اما وارد عملیات نظامی نخواهد شد. یلتسین افزود می‌خواهد روز ۱۳ اکتبر با شوارنادزه و رئیس پارلمان آبخاز ملاقات کند تا راه حلی برای بحران بیابد. این دیدار در منطقه آبخاز صورت خواهد گرفت. ۴۵ درصد ساکنان آبخاز گرجی و تنها ۲۰ درصد آنها آبخازند. مابقی از سایر ملیت‌ها مانند روس‌ها هستند.

جنگ بین کردهای عراق و ترکیه

ادامه از صفحه ۱۲

حزب کارگران کردستان در یکی از آخرین اظهار نظرهای خود گفته بود که افسران ارتش ترکیه رهبری کردهای عراقی را برعهده دارند و مطرح کرده بود که در میان کشته شدگان و اسرا، تعدادی افسران ترک شناسایی شده‌اند.

طبق آخرین گزارش رسیده، در ادامه این نبردها دولت ترکیه با اتکاء به نیروی زمینی بسیار بزرگی که از مدتی پیش در مناطق کردنشین جنوب شرقی ترکیه مستقر کرده بود و نیز با وارد کردن نیروی هوایی خود به صحنه، حمله سنگینی را علیه حزب کارگران کردستان آغاز کرده است. این عملیات سنگین نظامی که با مقاومت نیروی ۱۵ هزار نفری حزب کارگران کرد رو برو شده است، تلفات زیادی بار آورده است. جنگ بشدت ادامه دارد و گفته می‌شود که بخشی از نیروهای حزب کارگران کرد به خاک ایران عقب نشسته‌اند.

با اشتراك کار، ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حساب بانکی: M.ABD
NR_35263011
کدبانک: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

fax: 00 49 - 221 - 3318290

بهای اشتراك نشریه کار

شش ماهه	یکساله
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک

مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.

فرم اشتراك

برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.

مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه یکسال مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی تمپر پستی همراه نامه است.

آدرس:

(لطفاً خوانا بنویسید)

Name, _____

Address, _____

کشورهای ثروتمند، مسئولین اصلی فجایع محیط زیست

محاکمه حزب کمونیست روسیه

به رای دادگاه بستگی دارد... حمایت از کمونیست ها به معنای مساهمت به فعالیت های خرابکارانه آنها خواهد بود. فعالیت هایی که می تواند ما را به سوی جنگ داخلی سوق دهند. کارشناسان بی طرف، قضات را در بن بست می بینند و معتقدند که اتهام وارده به حزب کمونیست به مثابه "یک سازمان جنایتکار" و نیز مصادره اموال حزب، که بدون حکم دادگاه انجام گرفته، به لحاظ حقوقی و قانونی قابل توجیه نیست. روی مدویدف در این خصوص گفت "اگر دادگاه به قانون پایبند باشد نمی تواند عدم قانونیت حزب کمونیست را تایید کند."

در روز ۲۱ سپتامبر دادگاه تحت فشار یلتسین میخائیل گورباچف، ریشکوف، یگور لیگافف، الکساندر یانولف، ایوان پولوسکوف، والتتین فالین و سایر مقامات برجسته سابق را به آدای شهادت فرا خواند. به این ترتیب مناقشه وارد یک دور تازه شد. دعوی دبیر کل سابق، ک. ا. ش. را نیز در بر گرفت. گورباچف در پاسخ گفت: حتی اگر دستبند به دست هم در دادگاه حضور یابد سکوت خواهد کرد. تاکنون ریشکوف، نخست وزیر سابق، و ولسکی، عضو سابق کمیته مرکزی، و لیگافف، که سابقا نر دوم، ک. ا. ج. ش. محسوب می شد در دادگاه صحبت کرده اند.

ریشکوف به مقابله با "دروغها و شایعات و اتهامات ناروایی که علیه حزب کمونیست می شود" پرداخت و گفت که اصلاح حزب بر دمکراتیزه کردن کشور مبتنی بود اما مصادره ای منافع خود را در آن دیدند که این روند را متوقف کنند. او افزود "تبعید کمونیست ها از صحنه سیاسی با این هدف دنبال

دادگاه محاکمه کمونیست ها در روسیه از روز ۲۶ ماه جاری است. آنچه که در ابتدا موضوع مناقشه بود، بعدها بکلی تغییر کرد. در بدو امر موضوع این بود که آیا "فرامین رئیس جمهور روسیه جهت نابودی حزب کمونیست و اتحاد جماهیر شوروی و حزب کمونیست روسیه غیر قانونی بوده یا نه؟" اما اکنون مسئله این است که آیا "این احزاب اصولا قانونی بوده اند؟"

پارلمان روسیه در ماه اوت ۱۹۹۱ بازخواست از حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را آغاز کرد. دادستان کل از یک "توطئه" نام برد و در پارلمان از یک "سازمان جنایت کار" صحبت شد.

در روز ۶ نوامبر ۱۹۹۱، یلتسین فرمان "مربوط به منع فعالیت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و حزب کمونیست روسیه" را امضا کرد. والتتین کوپتسوف، رهبر جدید حزب کمونیست روسیه در برابر مجلس نمایندگان خلق توضیح داد که هر چند برخی از اعضای کمیته مرکزی حزب در کودتای مشارکت داشتند اما نهادهای رهبری و بویژه پایه حزب دستی در کودتا نداشت. با اتکا به اطلاعات نادرست میلیون ها انسان مورد اتهام قرار می گیرند و اعضای ساده حزب نه فقط به لحاظ اخلاقی بلکه به لحاظ فیزیکی نیز مریوب می شوند. روی مدویدف، عضو کمیته مرکزی، ک. ا. ش. فرامین یلتسین را "خودکامگی" قلمداد کرد.

در روز ۲۶ ژوئیه، دادگاه به درخواست ۳۶ نفر از نمایندگان مجلس، بررسی مسئله قانونیت یا عدم قانونیت فرامین یلتسین را آغاز کرد. اما همان نخستین تصمیم دادگاه موضوع بررسی را به ضد خود بدل نمود. بجای آنکه

مناسبات نابرابر، عدم دسترسی جنوب به بازارهای جهانی و فشار پرداخت بهره وام ها، جنوب سالانه حدود ۵۰۰ میلیارد دلار متحمل ضرر به سود شمال می شود. در مقایسه با این مبلغ، میزان کمک های دول شمال به توسعه جهان سوم که مجموعا به ۵۰ میلیارد دلار می رسد، ناچیز است. بیانیه، خواهان قطع کمک ناخواسته جنوب به توسعه شمال شده است. دریانیه، بر ضرورت اصلاح موسسات تحت کنترل شمال مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی همکاری ها (گات) تاکید شده است.

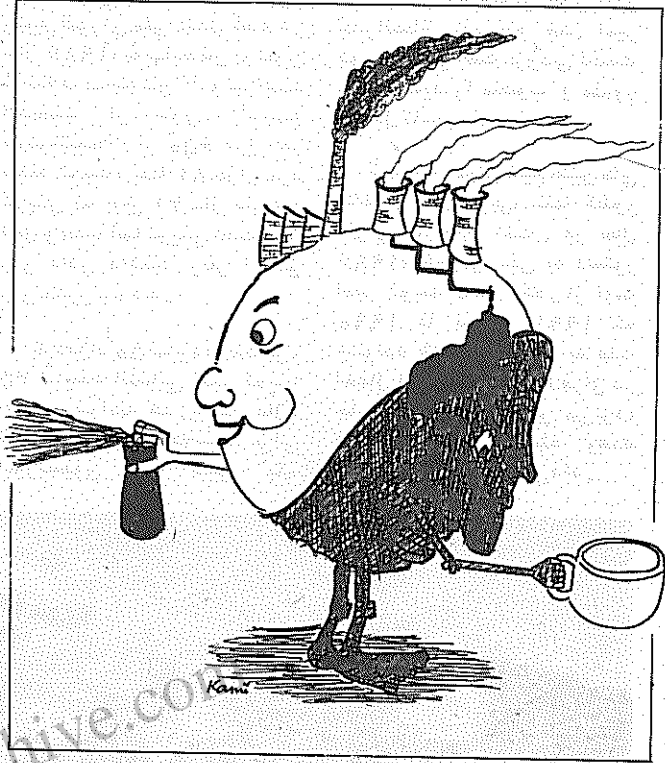
کنفرانس اوسنا بروک نسبت به دخالت های نظامی شمال در جنوب هشدار داد و افزود این مداخله ها نمی تواند به جنگ ها خاتمه دهد و صلح ایجاد کند. این کنفرانس معتقد است جنگ های جهان سوم، همدا نتایج صادرات گسترده اسلحه از شمال است. بیانیه اوسنا بروک می افزاید شمال با دامن زدن به رقابت های قومی و استفاده از اقشار فاسد حاکم در جنوب، زمینه های جنگ ها را ایجاد کرده است. یک استاد دانشگاه دویسبورگ در کنفرانس اظهار داشت جنگ ها و حکومت های دیکتاتوری، عوامل مهاجرت های جمعی اند. وی خاطر نشان کرد معمولا نه فقیرترین اقشار، بلکه اقشار متوسط دارای تحرک، میهن خود را ترک می کنند و از آنجا که این اقشار، حامل بخش بزرگی از نیروی کار موثرند، مهاجرت آنها به کشورهای جنوب لطمه می زند.

با وارد آوردن لطمات جبران ناپذیر به محیط زیست به خاطر حفظ الگوی اقتصادی کنونی، مفاویر با اصل اقتصادی عقلایی "اتکا به محصول و نه به اصل سرمایه" عمل می کنند. در بیانیه اوسنا بروک آمده است در درازمدت، تعیین میزان

نظام ارزشی ما می تواند از تحول خطرناک کنونی در آینده جلوگیری کند. شرکت کنندگان در کنفرانس، خاطر نشان کردند که آنچه سر نوشت آینده بشر را تعیین میکند، در وهله اول نه افزایش کمک ها به توسعه جنوب،

هفته گذشته کنفرانس تحت عنوان "جهان سوم و ما" در شهر اوسنا بروک آلمان برگزار شد. در این کنفرانس، کارشناسان امر توسعه و دانشمندان علوم اقتصادی و سیاسی مخالفت خود را با این تر که گویا افزایش جمعیت در جهان سوم، ریشه اصلی مشکلات این کشورهاست، مورد تاکید قرار دادند. در سخنرانی های کنفرانس، گفته شد که پر بها دادن به مسئله افزایش جمعیت، اذهان را از این واقعیت منحرف می کند که لطمات اصلی به مبانی طبیعی حیات بشر بر روی کره زمین رانده افزایش جمعیت، بلکه مصرف بیش از حد در کشورهای ثروتمند و از مدی کند.

در بیانیه "اوسنا بروک" که مبنای بحث کنفرانس قرار گرفت، آمده است: "کشورهای صنعتی شمال که یک پنجم جمعیت را تشکیل می دهند، حدود چهار پنجم منابع دنیا را مصرف می کنند. این کشورها دو سوم گازهای گلخانه ای و گازهایی را که باعث باران اسیدی می شوند، تولید می کنند، تقریبا صد درصد گازهای تخریب کننده لایه اوزون را وارد جو زمین می کنند و بخش اعظم زباله های سمی و اتمی، از ناحیه آنها ایجاد می شود. این الگوی رشد و مصرف، مدتهاست که حتی برای یک پنجم ثروتمند جمعیت جهان در شمال، ناتوانی خود را به نمایش گذاشته است و بدیهی است که نباید به جنوب که چهار پنجم جمعیت جهان را تشکیل میدهد، تعمیم یابد. تنها اصلاحات بنیادی در الگوی صنعتی و مصرفی ما، همراه با تغییر

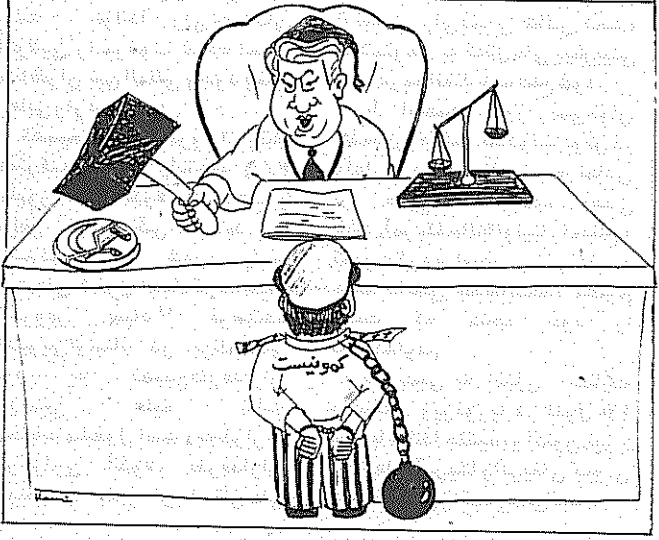


حداکثر برای بهره وری از منابع طبیعی و نیز اشاعه مواد مضر، اجتناب ناپذیر است. این بیانیه می افزاید این تصور که در مناسبات شمال و جنوب، شمال دهنده و جنوب گیرنده است، نادرست است. به خاطر

بلکه تحولات اقتصادی و اجتماعی در شمال است. سخنرانان این گردهمایی خواهان آن شدند که اروپای غربی و آمریکای شمالی دیگر به زندگی از قبل جنوب و نسل های آتی ادامه ندهند، و افزودند کشورهای شمال

تشنج میان گرجستان و روسیه

سقوط یک هواپیما در آمستردام صد ها قربانی گرفت



می شود که اندیشه سوسیالیستی را از بین برند. بی شک محاکمه کمونیست ها یک اقدام سیاسی است. یلتسین تلاش خواهد کرد یک موج جدید هیستری ضد کمونیستی بر اه اندازد. اما در همین حال زمینه مقاومت در برابر او هر چه بیشتر می گردد و پایه اجتماعی حکومت هر چه تنگتر می شود. در ارتش و ارگان های انتظامی نیز ناراضیاتی رو به گسترش است. چنین فضایی قادر است علیه رقم تلاش های رهبران دولت دست راستی روسیه، دادگاه را تحت تاثیر قرار دهد.

قانونیت فرامین یلتسین مورد بررسی قرار گیرد قانونیت حزب کمونیست مورد سؤال قرار گرفت. بنابراین اکنون موضوع بر سر ارزیابی و محکومیت یک حزب سیاسی است. قضات دادگاه زیر فشار شدیدی قرار گرفته اند. یاکولف معاون کنونی بنیادگورباچف در باره "خطر کمونیسم" هشدار داد زیرا "کمونیست ها سوار بر موج ناراضیاتی هجومی قادرند در برخی مناطق در انتخابات موفق شوند." یلتسین تهدید کرد: "سرنوشت روسیه نه فقط به رئیس جمهور بلکه به همان اندازه

هفته گذشته تشنج میان گرجستان و روسیه بر سر نظامیان روسی مستقر در گرجستان بالا گرفت. یکی از اعضای شورای دولتی گرجستان روز پنجم اکتبر به روسیه یک اولتیماتوم ۱۰ روزه برای خارج کردن نیروهای خود که شمار آنها در گرجستان به حدود صد هزار نفر می رسد، داد. این مقام گرجی افزود پس از انقضای این مهلت در روز ۱۵ اکتبر، نیروهای روسی که همدا در جمهوری آبخاز گرجستان مستقرند، قوای اشغالگر تلتی خواهند شد و در صورت مقاومت در برابر دستور اخراج، با اقدام قهرآمیز دولت گرجستان مواجه خواهند گردید.

روز ششم اکتبر اینتر فاکس گزارش داد صدها سرباز گرجی در نبردهای صورت گرفته در آبخاز کشته یا مجروح شده اند. یک سخنگوی گرجستان اظهار داشت جدایی خواهان آبخاز، آخرین روستاهای قرب این جمهوری خود مختار را که تحت کنترل دولت گرجستان بود، تصرف کرده اند. این سخنگو افزود در این حمله، نیروهای گرجستان به کوهها گریخته و سلاحهای خود را جا گذاشته اند.

شرکت های هوایی هشدار داده بود که محل اتصال موتورهای جت یک نوع از هواپیماهای ۷۴۷ به بال هواپیما، از استحکام لازم برخوردار نیست. قابل ذکر است که اخیرا شفتی مدیر عامل هواپیمایی جمهوری اسلامی در مصاحبه ای که در شماره ۳۰ شهریور روزنامه اطلاعات چاپ شد، اظهار داشت در حالی که میانگین سن هواپیماهای جهان، یازده سال است، هواپیماهای این شرکت بطور متوسط ۱۴ تا ۱۵ سال است که پرواز می کنند. مهار اهدم سرمایه گذاری لازم در صنعت حمل و نقل هوایی دانست. لازم به یادآوری است که تعداد قابل توجهی از هواپیماهای مها راجمبوجت های ۷۴۷ تشکیل می دهد که یک هواپیمای مشابه آن در آمستردام سقوط کرد.

در بزرگترین سانحه سقوط هواپیما در تاریخ هلند، صدها تن کشته شدند. یک هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ مخصوص حمل و نقل خطوط هوایی اسرائیل که از فرودگاه آمستردام به مقصد تل آویو برخاسته بود، دقیقا پس از شروع پرواز، به فاصله کوتاهی دو موتور جت خود را از دست داد و در حالی که می کوشید به فرودگاه باز گردد، در یک محله پر جمعیت سقوط کرد. بر اثر اصابت هواپیما، دو ساختمان ۹ طبقه که اکثر ساکنان آن مهاجران اهل کشورهای آسیایی و آفریقایی بودند، به آتش کشیده شد. تا چند روز پس از سانحه، تنها جسد تعدادی قلیلی از ۲۵۰ نفر دو ساختمان مزبور به دست آمده بود. یک هفته پیش از سانحه آمستردام، شرکت بوئینگ به

ادامه در صفحه ۱۰

با اشتراك كار
مارا در پيشبرد وظايفمان ياري رسانيد

انگولا در آستانه از سرگیری جنگ

پیروزی اپوزیسیون در انتخابات کویت

سازمان هفوبین الملل به سیاستمداران بن

حق پناهندگی را تغییر ندهید

کنوانسیون ژنو برای حفاظت از تعقیب کافی نیست

سازمان هفوبین الملل با تمامی پیشنهادات مبنی بر تغییر قانون پناهندگی مخالفت کرده است. فولکار دایله، دبیر کل بخش آلمان این سازمان روز دوشنبه ۲۸ سپتامبر در بن سیاستمداران تمام احزاب را مورد انتقاد قرار داد. او گفت آن ها موج خشونت علیه خارجیها را بعنوان "بانه‌ای برای تجدید حق پناهندگی" مورد سوء استفاده قرار می‌دهند. سازمان هفوبین الملل بویژه پیشنهاد سوسیال-دموکرات‌ها را مبنی بر رد تقاضای پناهندگی متقاضیان خارج شده از کشورهای آن‌ها تعقیب صورت نمی‌گیرد، مورد مخالفت قرار داد. به نظر سازمان مذکور به این ترتیب "تربانیان نقض حقوق بشر بی‌دفاع در مقابل درهای بسته قرار خواهند گرفت".

دایله همچنین پیشنهاد احزاب اتحادیه مبنی بر جایگزینی حق پناهندگی انفرادی (انگونه که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است) توسط ارجاع به کنوانسیون پناهندگی ژنو را رد کرد. به نظر سازمان هفوبین الملل کنوانسیون ژنو به تنهایی برای حفاظت در مقابل تعقیب سیاسی بسنده نیست. اما به‌رحال جایگزینی قانون مذکور توسط توصیه سازمان پناهندگان سازمان ملل متحد قابل تحمل خواهد بود. این پیشنهاد به‌عنوان استاندارد حداقل سه مرحله (بررسی فردی هر تقاضای پناهندگی، ۲) حق متقاضی مبنی بر بررسی تقاضای رزده وی توسط یک ارگان مستقل دیگر (۳) اجازه اقامت برای مدت زمانی که پرونده در جریان است مطرح می‌کند.

دبیر کل سازمان هفوبین الملل همچنین گفت: "دایله اظهار داشت: "من می‌توانم بگویم که هر کس در مقابل دادگاه حضور یابد و یک دعوای را بیازد، به این دلیل از دادگستری سوء استفاده کرده است." بر اساس داده‌های وی حق اقامت "حدود ۶ درصد" از متقاضیان به رسمیت شناخته می‌شود، گرچه این حق، حق پناهندگی نباشد. سازمان هفوبین الملل ایده مبنی بر کنار گذاشتن آن دسته از متقاضیان را که با اوراق هویت جعلی وارد آلمان شده‌اند، از داشتن حق یک دعوای پناهندگی، اساساً قطع دانست. بسیاری از افرادی نیز که تحت تعقیب نازی‌ها بوده‌اند، تنها توانسته‌اند با اوراق هویت جعلی جان سالم بدر ببرند.

پیروزی محسوب می‌شود. در پی این پیروزی، دولت کویت استعفا کرد و این استعفا از سوی امیر جابر الصباح پذیرفته شد. امیر کویت قرار است بزودی نخست وزیر جدید را منصوب و مأمور تشکیل کابینه سازد.

کویت در میان شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس، تنها کشور دارای پارلمان است. در سال ۱۹۸۶، شورای ملی به دستور امیر کویت منحل شد. از اوت ۱۹۹۰ تا فوریه ۱۹۹۱ که خانواده سلطنتی کویت به علت اشغال این کشور توسط عراق در خارج از کویت به سر می‌برد، دربار کویت پیوسته وعده برگزاری انتخابات را می‌داد.

همه رهبران گروه‌های مختلف اپوزیسیون، به پارلمان راه یافتند، از آن جمله احمد سعدون، رئیس شورای ملی منحل شده در سال ۱۹۸۶، به نمایندگی از سوی "ائتلاف نمایندگان"، و نیز احمد الخطیب از سوی "مجمع دموکراتیک". از ۶۵۰ هزار نفر سکنه کویت، تنها ۸۱ هزار مرد کویتی که بیش از ۲۱ سال دارند و اصل و نسب آنها کویتی است، حق رای دادن داشتند. زنان از حق رای محروم بودند.

به تعداد ۵۰ نماینده انتخابی، ۲۵ نماینده انتصابی امیر کویت افزوده خواهند شد. با این حال، نتیجه انتخابات کویت، برای اپوزیسیون این کشور یک

در نخستین انتخابات پارلمانی کویت از هنگام انحلال شورای ملی این کشور در سال ۱۹۸۶، گروه‌های اپوزیسیون موفق به کسب ۴۰ درصد کرسی‌های مجلس شدند. در این انتخابات که روز پنجم اکتبر برگزار و نتایج آن یک روز بعد اعلام شد، نامزدهای گروه‌های اسلامی و لیبرال و نیز کاندیداهای مستقل، ۳۲ نماینده از ۵۰ نماینده‌ای را که در رای‌گیری انتخاب می‌شوند، به خود اختصاص دادند. کاندیداهای لیبرال و مستقل هر یک ده کرسی و دو گروه سنی و یک گروه شیعه مجموعاً ۹ کرسی بدست آوردند. به گزارش تلویزیون کویت، میزان شرکت واجدین شرایط در انتخابات، بیش از ۸۰ درصد بود.

تحت نفوذ این گروه اتومبیل‌های ستاد انتخابات را آتش زده‌اند. یوناس ساویمی در نطقی که روز سوم اکتبر ایراد کرد، گفت: "ما اجازه نخواهیم داد که حزب حاکم مپلا، همانگونه که در سال ۱۹۷۵ قدرت را غصب کرد، این بار نیز چنین کند." در سال ۱۹۷۵، پس از شکست استعمارگران پرتغالی، میلازمام امور کشور را به دست گرفت و او را به رهبری ساویمی با حمایت افریقای جنوبی و آمریکا جنگ علیه دولت لواندا را به پیشانی شوروی و کوبا بر خوردار بود، آغاز کرد. سال گذشته پس از ۱۶ سال جنگ داخلی، مپلا و اویتا قرارداد آتش بسامضا کردند و روند صلح آغاز شد. قرار بود با تشکیل ارتش مشترک و تعیین تکلیف دولت در انتخابات آزاد، نقطه پایانی بر جنگ گذاشته شود، اما اینک اویتا بازیر پا گذاشتن تعهداتش، صلح شکننده در انگولا را مورد تهدید قرار داده است.

ساویمی در طول کارزار انتخاباتی نیز پیوسته می‌گفت که اویتا تنها در صورت تقلب بازنده خواهد بود. وی اینک می‌گوید ۸۵۰۰ ناظر خارجی که صحت انتخابات را تایید می‌کنند، "در خدمت منافع بیگانه‌اند." دولت آمریکا رسماً می‌گوید ساویمی را به پذیرش نتایج رای‌گیری ترفیق کند. اما ساویمی هفتگی گذشته از ملاقات با دیپلمات‌های آمریکایی سرباز زد. هنک کوهن مسئول سیاست افریقای دولت آمریکا بدنبال موضع‌گیری‌های اخیر ساویمی گفت اگر رهبر اویتا از رای‌گیری شاکلی است، باید متوسل به کانال‌های پیش‌بینی شده در موافقت نامه صلح شود.

با اینهمه هنوز نمی‌توان اطمینان داشت که دولت بوش در وادار کردن اویتا به گردن نهادن بر نتایج انتخابات، جدی باشد. آمریکا سالها اویتا را مسلح و تقویت کرده است. و اگر کار به جنگ داخلی جدید بشود، معلوم نیست که متحد خود را تنها بگذارد.

ساویمی به اتکالی حمایت واشنگتن و پرتوریا در طول ۱۶ سال با لواندا جنگیده و اکنون نیز با سلاح‌های آمریکا و افریقای جنوبی است که صلح را تهدید می‌کند.

گروه دست راستی اویتا که در انتخابات انگولا از حزب حاکم مپلا شکست خورد، علیه رقم تعهد قبلی خود مبنی بر پذیرش نتایج رای‌گیری، نیروهای مسلح خود را از ارتش جدید التاسیس واحد در انگولا خارج کرد و مدعی شد در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان این کشور، تقلب شده است. این ادعای اویتا در حالی عنوان می‌شود که ۸۵۰۰ ناظر خارجی بر انتخابات انگولا، صحت برگزاری رای‌گیری را تایید کرده‌اند. یوناس ساویمی رهبر اویتا تهدید کرده است در صورت عدم لغو نتایج انتخابات، جنگ داخلی را از سر خواهد گرفت. ساویمی برخلاف توصیه دولت آمریکا از پشتیبانان اصلی‌اش در طول جنگ داخلی ۱۶ ساله انگولا، بر موضع خود پافشاری می‌کند و حاضر به پذیرش آرای مردم نیست. مردم انگولا با اکثریت مطلق، ادواردو دوس سانتوس رئیس جمهوری فعلی را در مقام خود ابقا کرده‌اند. ساویمی تنها ۳۹ درصد آرا را بدست آورده است. در انتخابات پارلمان نیز مپلا حزب دوس سانتوس با کسب ۳۶ درصد آرا بر اویتا که ۳۳ درصد آرا به دست آورده، پیشی گرفته است.

ژنرال آلیندو چندابنا فرمانده نیروهای مسلح اویتا که به اتفاق یک افسر عضو مپلا رهبری مشترک ارتش واحد را برعهده داشت، در توجیه خارج کردن نیروهای اویتا از ارتش واحد، مدعی بروز تقلب در رای‌گیری شد و بازگشت ارتش مشترک را منوط به توقف شمارش آرا یا تصحیح آن به نفع اویتا کرد. اویتا می‌گوید دولت لواندا رای دهندگان انگولایی را مهربوب کرده است، اما ناظران بین‌المللی وجود چنین راه‌هایی را رد می‌کنند.

تصمیم اویتا به خروج از ارتش مشترک، بر لواندا پایتخت ۲/۵ میلیون نفری انگولا فضای رعب و هراس از جنگی جدید را حاکم کرد. در شهر، پلیس پست‌های کنترل ایجاد کرده است. "خروس سیاه" فرستنده رادیویی اویتا، در برنامه‌های خود به تمییح طرفداران ساویمی علیه نتایج انتخابات مشغول است. به گزارش خبرگزاری انگولا، طرفداران اویتا در یکی از استان‌های



زنان کویتی در حال اعتراض به محرومیت از حق رای

جنگ بین کردهای عراق و ترکیه

عراق مدعی‌اند در جنگ با حزب کارگران از حمایت مردم محلی برخوردارند. به گزارش دو گروه طالبانی و بارزانی، تنها در منطقه مرزی میان سه کشور عراق، ترکیه و ایران، حدود ۶ هزار پیشمرگه عراقی با تعداد ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ فرد مسلح حزب کارگران درگیر شده‌اند. شامگاه پنجم اکتبر، اولتیماتومی که جبهه کردستان برای تخلیه پایگاه‌های حزب کارگران در شمال عراق در نزدیکی مرز ترکیه و یا قطع جنگ چریکی علیه ترکیه به‌این حزب داده بود، به سر آمد. این اولتیماتوم با این استدلال همراه بود که حضور حزب کارگران، مانع بازگشت آوارگان کرد عراقی به روستاهای خود است. اتحادیه میهنی و دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی می‌گویند که حدود ۱۰ هزار نفر از پیشمرگه‌های خود رابه نبرد با افراد حزب کارگران فرستاده‌اند تا این حزب را از شمال عراق بیرون برانند. کردهای

پیشمرگه‌های کرد عراقی روز پنجم اکتبر دست به تهاجم علیه پایگاه‌های کارگران کردستان ترکیه در شمال عراق زدند. سخنگوی حزب دموکرات کردستان عراق در آنکارا اعلام کرد تصمیم به این حمله در نشست چهارم اکتبر پارلمان منطقه آزاد شده کردستان عراق گرفته شد و افزود هدف از این حمله، پایان دادن به حملات حزب کارگران علیه ترکیه از شمال عراق است. این سخنگو خاطر نشان کرد نمایندگان جبهه کردستان، ائتلاف هشت حزب کرد عراقی، از ماه آوریل گذشته چندین بار به حزب کارگران اظهار کردند که حملات خود علیه پایگاه‌های مرزی ترکیه را متوقف کند، اما حزب کارگران به این اظهارها وقتی نگذاشت. سخنگوی حزب دموکرات کردستان عراق همچنین کارگران کردستان ترکیه را متهم کرد که مانع بازگشت آوارگان کرد عراقی

بهر روستاهایشان شده است. این سخنگو از کردهای ترکیه خواست از تهدیدات حزب کارگران مهربوب نشوند. حزب کارگران کردستان از سال ۱۹۸۴ برای برپایی یک دولت مستقل کرد می‌جنگد. از آغاز این جنگ تاکنون بیش از ۵۴۰۰ نفر کشته شده‌اند. در روز ۲۹ سپتامبر به گزارش مقامات رسمی ترکیه ۳۰۳ نفر طی زدو خوردهای افراد حزب کارگران و ارتش ترکیه به قتل رسیدند. در ماه‌های اخیر، دولت ترکیه بارها از جبهه کردستان عراق خواسته است تا از حملات حزب کارگران از خاک عراق به ترکیه مناعت کند. اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی و حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی می‌گویند که حدود ۱۰ هزار نفر از پیشمرگه‌های خود رابه نبرد با افراد حزب کارگران فرستاده‌اند تا این حزب را از شمال عراق بیرون برانند. کردهای

کشورهای ثروتمند مسئولین اصلی فجایع محیط زیست

سقوط طیک هواپیما در آمستردام

محاكمه حزب کمونیست روسیه

تشنج میان گرجستان و روسیه